

بخش پنجم: صد خطاب به میرزا آقاخان کرمانی

از خطاب به بیستم:

و در هر ملت که اساس عدل و نظام روی این دوریسه طبیعت که مال و عیال باشد نهاده شده آن ملت از زوال و اضمحلال و انقراض مصون خواهد بود...
 یک سردار خونخوار قهار جبار مالک چهل زن جمیل و دختر خوشگل بی بدیل و عدیل است و حال اینکه بقدریک جو خدمت بملت که نکرده سهل است هماره ملت را چاپیده و ظلم و ستم به ایتم و ارامل کرده و خونها ریخته چرا و بچه قانون موافق و مطابق است.
 و در همان مملکت هزاران هزار جوان عزب رشید خادم بملت و دولت بی همسر بسر می برند و هزار دختر زیبای فقیر و بینوا به آرزوی شوهر سر بر بستر می نهند.
 گذشته از این هر پیر عین پوسیده که صاحب ثروت گردیده دختران باکره که میوه های رسیده خدا آفریده اند بر گرد خود جمع کرده نه فوه شوهری ایشان را دارد و نه همت گذشت از آنان را. آن زنده بگورها شبهای دراز در محله ناز بان انتظار یک شوهر سر بر بند تا پیر و پوسیده گردند آیا از این ظلمی شنیع تر و بدتر ممکن است.

از خطاب به بیست و سیم

مثلاً زنان ایلات و صحرا نشینان بواسطه آن عادت و احتیاجات بیابان گردی و کوه و دره نوردی که همیشه در زندگی خویش دارند هرگز از هیچ وادی هولناک یا صحرای مدهشی بقدر زن بخانه نشسته و روبسته شهری نخواهد ترسید و شاید زنان شهری از جستن یک موش یا صدای یک گربه یا حرکت یک شاخه درخت بترسند و برخورد بلرزند اما آن

شیر زن چادر نشین از نعره پلنگ و غرش ببر و حمله گرگ و صدای صاعقه و برق و بادهای سخت و رعد بقدر آن زن شهری که از آن جزئی صدا و حرکت می هراسد نمی ترسد. چنانچه بسیار دیده شده زنان ایلات در شبهای تاریک برای آوردن آب برودخانههای هولناک رفته و در اثناء راه به شیر و ببر یا درنده دیگر برخورد کرده آن را تلف کرده و بی اندیشه و تلاش برگشته.

از خطابه سی و سه

اما مسئله تزویج را باید اولاً خوب تشریح نمود تا مقصود خدا از آن ظاهر گردد. تزویج از امور ضروری طبیعی است که بقاء نوع و شخص هر دو مربوط بدان است و هر کس مسئله ازدواج را انکار کرده بقدر بزن فهمیده و باندازه یک گنجشک حس و ادراک در او نبوده...

سخن در کیفیت ازدواج است که آیا چگونه باید اجرا بشود... اما در ملل عالم این سه قسم ازدواج معمول است مثلاً در اهالی چین و ملت بودا و بعضی از ملل اروپا قسم اول معمول که مرد بعد از مرگ زن اختیار زوجه دیگر نتواند... قسم دوم که جزیک زن نشاید و تعدد زوجات روا نباشد اما در فوت یا طلاق تجدید فراش جایز باشد امروزه معمول تمام فرنگستان و اغلب ملل عالم همین قسم است. اما قسم سوم تعدد زوجات است تا چهار بمذهب سنیات و تا هزاران هزار بمذهب شیعه در ملت مسلمان معمول است.

یک قسم دوستی و رفاقت نیز مابین مردان و زنان در کل جهان نیز معمول است که آن از مسئله ازدواج خارج و در ایران بنام جنده بازی و در عثمانی زن پاره و در فرنگستان مترس نگاه داشتن و در هندوستان دوست گرفتن می نامند.

...

باری در مذهب اسلام قسم سوم که تعدد زوجات باشد جایز و معمول است اکنون بنظر دقت نظر کنیم و مقصود ازدواج را که توالد و تناسل و حب فامیل و حفظ و حراست اولاد است بدانیم خواهیم فهمید که مقصود حق و عدل اساس ازدواج چیست و آنوقت میتوانیم قرار عدل را از مسئله ازدواج مطابق صواب و موافق حق و عدل استنباط نمائیم.

اولاً ما استاتستیک این سه ملت یعنی چین و فرنگ و اسلام را بدقت ملاحظه می نمائیم که این سه قانون که در میان آنان اقلاً سه هزار سال است که معمول است آیا از شماره نفوس مسلمانان که قسم سوم ازدواج در ایشان معمول و رواج است سال بسال می افزاید یا می کاهد بلاشبیه همه ساله شماره نفوس اهالی اروپا می افزاید...

بر فرض اینکه شما بگوئید بواسطه امراض و علل در عدد ایشان [مسلمانان] نقصان بهم می رسد یا بعلمت تعدد زوجات در حق اولاد شوهر خود بواسطه رقابت و عداوت توجه و دقت

و اهتمام و مراقبت نمی کنند باز هر دو راجع به یک مسئله است که اولاً دو گروه که از دو مادرند در اساس زندگانی و وضع معیشت ایشان خلل و فساد حاصل می شود... بر فرض که علت نقصان مسلمانان تعدد زوجات نباشد مسلماً تعدد زوجات اسباب کثرت نفوس نیست و هزار عیب و علت دیگر بر تعدد زوجات مترتب است که ما از بیان آنها عاجز و بعضی را خواهیم نوشت.

ثانیاً اینکه تعدد زوجات حب فامیلیائی که ضرورت معیشت و زندگانی است بقسمی که زن همشوار شوهر و زنش و اولادش گاه گاه بقسمی متنفرد و منزجر می شود که بمرگ و قتل و فقر و ازلال آنان قانع شده که سهل است خودش در صدد هلاک و اتلاف آنان بر می آید.

...

این نکته را نباید فراموش کرد که مکاتب اخلاق در آفاق پنج مکتب است که هر فرد آدم در این مکاتب تحصیل اخلاق و تکمیل خو و صفتهای خود را خواهد کرد. اول مکتب رحم مادر است که در این مکتب طفل جنین اصول اخلاق را تحصیل میکند و دارای صفات و طبایعی می شود که در زمان حمل اصالتاً یا عرضاً در مادرش موجود بوده است.

مثلاً اگر در مادر صفت بخل و حسد یا لصاله بوده یا بالعرض پیدا شده است بلاشبهه در آن جنین آن خلق و خومکین خواهد گردید یا اگر از چیزهای مرعب مهول ترسیده یا گرفتار مصائب سخت گردیده محققاً هول و هراس و حزن و غم در آن نونهال تازه که از جویبار اخلاق مادر در رحم آبیاری شده موجود خواهد بود...

مکتب دویم مکتب فامیل است که طفل رضیع در این مکتب اغلب اخلاق را تکمیل و تحصیل می کند و در هر خانواده طفلش بر حسب اخلاق و عادات آن فامیل تربیت می شود و از همه متعلمین نزدیکتر در این مکتب نسبت بطفل مادرش است و این مسئله نیز بدیهی است...

مکتب سیم کیش و آئین و مذهب و دین است.

...

مکتب چهارم حکومت است که این مکتب نیز بزرگ و مولد هزار قسم خلق و خوست مانند ایرانیان که تحت حکومت ظالمه پرورش یافته با پارسیان که زیر سلطنت عادلانه فرق و تفاوتشان از زمین تا آسمان است و محتاج بشرح و بیان نیست...

مکتب پنجم مملکت و آب و هوا و خاک آن است که این نیز مکتبی بزرگ است...

مکتب اول بر حسب قانون رحم مادر است و رعایت این مکتب از سایر مکاتب اهم و الزم است زیرا که اخلاق و عادات در اینجا داخل خون جنین می شود و دیگر تغییر و

انحراف از آن مشکل است بلکه محال.

بعد از دانستن این مقدمه و نکته باید خیلی در باب زنان ملاحظه و دقت نمود و حقوق آنان را رعایت کرد تا اطفال بدخو و بدطبع نشوند و باطل و مهمل نگردند. خواننده کتاب اگر این را دیده است بدایتاً تصدیق خواهد کرد که زنان آن سامان از تمام حقوق بشریت و خطوط معیشت محروم و ممنوع مانده و حکم زنده بگور و مثل کور و کر را دارند.

و این تحقیر و توهین که مردان ایران بزنان خود می کنند هرگز عربیائی که دختران خود را زنده بگور کردند نکردند.

نمیدانم متدینین اسلام در جواب بازخواست انتقام ملک علام و سید اقام در روز قیام که خطاب میرسد یای ذنب قتلت چه خواهند گفت.

زنان ایران از حیوان بلکه از سگان فرنگستان خوارتر و از گر بگان گورستان بی مقدارترند.

... هر نامرد بی غیرت و ستمکار بی مروت درجه ظلم طبیعی و اخلاق شدار و نمرودی را در خانه در باره زن پاشکسته خویش بکار میبرد و بزرگی و جلالت و هیبت و صلابت خود را در حق او ظاهر می سازد.

آن زن آواره بیچاره بی پناه با حال تباه در برابر این ظلم یزیدی و تعدی شدار و ستم فرعون و خوی عربی جز حيله و تزویر و بغیر از دروغ و دغل ملجأ و پناهی ندارد.

ما شاء الله اثر آن بد رفتاری و ستم آن خاتون محترم را دارای هر قسم خوی بد و صفت پست و خلق زشت خواهد کرد.

دیگر آن بچه که در مکتب دغل و از این رحم پر مکر و حیل درس ادب می خواند با ذاتی پر از کینه و مکر و شقاق و خدعه و حیل و دروغ و دغل متولد می شود از این است که بالکلیه اتفاق در ملت ایران مانند سیمرغ و کوه قاف شده و تنها از آن اسمی باقی مانده که عبارت از تملقات بیجا و چاپلوسیهای بی پروا باشد و رسمش از اصل مفقود گشته اگر چه میان دو برادر یا فرزند و پدر باشد سرش بدی مکاتب ابتدائیه و زشتی ارحام زنیه است که از جور شوهران بیرحم زنان ناتوان مجبور بهزار حيله و دسیسه و مکر و خدعه شده اند.

خواننده کتاب که زنان ایران را دیده می داند که یک زن راستگو و خوشخو و درست کردار در تمام ایران امکان ندارد.

و این قصور از حرکات وحشیانه و معاملات اسیرانه شوهران زن صفت و مردان بی مروت است که در باره زنان خویش بعمل می آورند و البته بی شبهه اسارت و حقارت و اضطراب هزار قسم خوهای بد و خلقهای زشت و صفتهای پست را در طبیعت تولید خواهد نمود. زن اسیر مانند مجبور است که بهر دنائت و رذالت تن در داده و برای چاره رفع ظلم از خویش اقسام مکر و حیل را تهیه و تدارک نمایند و ولدی و فرزندی مرکب از حيله و دروغ مانند

یک برج پر از مکر و نفاق بزاید و پروراند و ریشه این همه ظلم و ستم را تعدد زوجات و تکثر منعات در ایران بلکه در مسلمانان آبیاری میکند و یک نفر نیست که آیه مبارکه و ان خفتم الا تعدلوا فواحده را بنظر دقت مطالعه کند که این ستمکاران ایرانی که از مرحله عدل و انصاف فرسنگها گریزانند درباره خود نمی توانند بعدل و داد رفتار نمایند چه جای زنان خویش. از این جهت است که یک زن راضی از شوهر و یک مرد راضی از زن در تمام ایران نیست مگر آنکه لحاف افتخار سباج دیوئی را بردوش انداخته و خود را از مرض مهلک غیرت آسوده ساخته.

نه تنها تعدد زوجات مایه و اسباب تولید اخلاق فاسد در اولاد می شود بلکه تعدد زوجات اخلاق یک فامیل را برباد دهد و ریشه آسایش و معیشت را تعدد زوجات از یک خانواده برمی افکند چنانکه هر کس روی دوزن را بوسید راحت ندید و هر مرد که در بالین دو زوجه همشوآرمید دچار هزار رنج گردید باید اول ترک سر گفت و پس از آن در بستر زوجه همشو خفت.

در ایرانیان از وقتی که مسئله تعدد زوجات و متعه رواج گرفته چند قسم خسارت و زیان در میان ایشان پیدا شده است.

قسم اول زنان ایران بالکلیه از صرافت حب فامیل و دوستی شوهران و خویشان خود افتاده اند و در اداره بیتیه بهیچوجه دقت و صرف وقت نمی کنند یا برای بی رغبتی و آسایش شوهران بی رحم یا از جهت عناد و لجاجت با شوی دوزن در اطلاق مال و تضییع حال او کوتاهی ندارند و چون شوهر خویش را از خود نمی دانند معاملات یک جهتی و یک طوری که شرط فامیل است در میان ایشان نیست هماره اختلال در امور بیتیه ایشان جاری است.

دیگری آنکه زنان اوقات خود را از پرستاری اولاد و سررسی بکارهای خانه بکلی مصروف رقابت و حسادت زن همشو کرده اند و جز مخاصمت و رقابت با زنان ایشان کار و شغلی دیگر ندارند.

دیگری چون شوهر حقوقش را تفریط کرده و در ادای وظیفه مردانگی خود تقصیر نموده زن هم تکاهل و تساهل در وظایف شخصی و عدم حقوق شوهرداری خود اهتمام تمام دارد بلکه از هر بی ناموسی و بی شرفی باک نخواهد داشت و در برابر مواخذات طبیعت عصمت جواب میدهد که شوی من با آن همه مردانگی حقوق مرا برباد داده من زن پاشکسته دست بسته چرا باید تحمل زحمات ادای وظایف شوهری کنم چنانکه او هر شب سرش بر بستر دیگری است باید منهم از این آزادی بهریاب و از این دلشادی کامیاب شوم.

ما در این محاکمه حق را بطرف زنان ایران میدانیم چه مردی بود کز زنی کم بود.

...

دیگری تعدد زوجات از جهات متعدده در ایران مایه فقر و پریشانی شده و این فقر

محتاج به بیان نیست بلکه عیان است.

...

امروز اکثر فاحشگان از فقر و فاقه یا بدسلوکی شوهرشان سر بخوابی گذاشته و تن بهر بی ناموسی در داده اند.

دیگری لذت حب و دوستی است که نتیجه زن و شوهریست بواسطه تعدد زوجات از ایران رفته تمام معاملات زن و شوهر نفاق آمیز و شقاق انگیز است.

دیگری امراض مسریه مهلکه مانند کوفت و حرقة البول مزمن که ریشه هر قسم مرض است از مسئله متعه در ایران رواج گرفته بقسمی که معافین از این مرض اقل از کبریت احمر است مگر پیر افتاده یا غریب بیچاره یا عنین مادرزاده.

خلاصه عیوب تعدد زوجات و مسئله متعه در ایران با این فقر و فاقه و پریشانی و بی سامانی اسباب هزار عیب شرعی و عرفی و بی ناموسی و بی شرفی حالی و مآلی شده است. و آیه عدالت بنیان وان خفتم الا تعدلوا فواحده از برای اثبات مطالب ما برهانی است قاطع و دلیلی است کافی در صورتیکه گمان یا حذف بی عدالتی که حق زوجات و فامیل باشد تعدد زوجات در آن محل روا نبود.

و گمان ندارم که عدالت را در این زمان در ایران مصداق باشد آیه مبارکه مثنی و ثلاث و رباع در حق ملت بی ادب عرب نازل شده که ناموس و شرف در ایشان حکم کبریت احمر را داشت و عرب به زن خود چنانکه بمادیانش مینگرد نظر میکند همان طور که از مادیانش میخواهد کره رشید بگیرد از زن و شوهری جز شهوت رانی و کره نجدی گرفتن مقصودی ندارد.

چنانچه اگر زنی پسر رشید میزائید از هر سری در باره آن پسر صدائی برخاسته و همگی او را بفرزند میخواستند.

مانند زیار بن ابیه که در میان ده نفر از رؤسای عرب متنازع فیه بوده و چون ابوسفیان از دیگران بزرگتر بود به او نامزد کردند. غرض نه طعن در حق زیار بن ابیه است زیرا که این رسم در میان عرب در عصر جاهلیت معمول بود.

...

اما در ملت متمدن ایران که همواره عصمت و عفت از ضروریات آیین ایشان بوده کجا تعدد زوجات که اساس خرابی ملت است قرار گرفته بود و هیچگاه این قانون در ملت ایران باستان جاری نشده اکنون از برکات تشیع شایع است.

در هر ملت بر حسب ضروریات طبیعت دوست گرفتن بوده و با آزاده زنانی که از میوه شیرین اولاد داشتن محروم مانده و دل بعشرت معاشقه و مغالزه خوشنود نموده انس و الفت میگرفته اند.

در شهرهایی که تعدد عزبا و اجانب و جوانان عزب بسیار شده و می شود و در واقع این

ورقات محترمات و معطرات البشاشات سد بی عصمت و ناموسی زنان یک مملکت و اسباب استراحت مردان یک ملت شده اند.

بانیانی که اساس روضه خوانی را در ایران برپا کرده اند مانند کارخانهای اسلام بول و ماتشکه خائهای فرنگستان ترتیب مجالس از برای ملاقات و معاشقات و قرار و مدار اهل کار را داده اند. گذشته از این در برابر آن مطالبات حقوق عصمتی و مواخذات سخت طبیعت و انفعالات و خجالات وجدان یک قطره اشک برای روضه دروغ که میریزند اندکی سورت حرارت غضب حق را تسکین میدهند.

خطابه سی و چهارم

ای جلال الدوله ای خواننده کتاب

ما همه جا نسبت به این طبقه زنان با احترام سخن میگفتیم و سرزنش نکردیم اما در حق این طبقه زنان ایران زبان بشاعت گشوده و بتحقیق آنان را مذمت مینمائیم زیرا که حق و عدل در هر ملت آن است که موافق قانون آن ملت جاری شود و در آن صورت خوف و خشیت در آن نیست. چنانچه در تأثرهای فرنگستان و زرای بزرگ در می آیند و در کنسرهای عمومی اعضای مجلس شورای رقص مینمایند و در بالهای کبیر ملتی زنان پادشاهشان و امپراطریسها با مردان اجنبی دست بگریبان می رقصند. چون مخالف قانون طبیعت و نظام مملکت و عادات ملت نیست مایه شرف و افتخار است نه اسباب شناعة و عار.

اما در ایران امام جمعه طهران تا کنون جرئت شنیدن یک نغمه ساز یا زیر و بم آواز ندارد و در مجلس عیش و طرب حاضر نمی شود و از زدن طبل و دهل منع بلیغ می فرماید. صدراعظم ایران هنوز قوه تغییر لباس عربی که مخصوص هزار سال قبل جزیره العرب است ندارد زیرا که الان معمول مملکت ایران عادات وحشی گری هزار سال قبل عربان جزیره العرب است و تخلف از آن نه تنها اسباب تغیر و مایه سرزنش و تحقیر است بلکه باعث تکفیر و سبب خونریزی است.

بنابراین هر کس از زنان ایران سر از عادت شرعی و عرفی معموله آن ویران برتافته تخلف از جماعت کرده سزاوار ملامت و ملعنت است.

چنانچه در لندن هشتاد هزار و در پاریس بیشتر از پنجاه هزار در بلاد روسیه افزون از یک میلیون در حدود هند معادل چهل هزار در ایران قریب به سی هزار به اسامی مختلفه مشغول داد و ستد با خاطرهای خرم و دلهای شاد بی غم بوده و هستند.

و در مکه معظمه و کربلای معلا و مشهد مقدس خویش را نذر حجاج و زوار کرده اند و از هیچ قسم خیانت و دزدی اجتناب ندارند.

اما در سایر ممالک عالم بقسمی تحت انتظام اند که جرئت یکذره انحراف از قانون و

تخلف از نظام دولتی را ندارند.

مختصری در تشریح حال ایشان بیان باید نمود.

پیدایش این معطرات در هر مملکت اگر چه ضرورت طبیعت اقتضا کرده است لیکن بعلت و باعشی بوده است.

در تمام فرنگستان بواسطه سختی و دقت در مسئله ازدواج که دختر تا دارای مبلغ کثیری نباشد بشوهر نمی رود و هم جداً زیاده عتات اختیار زنان را مست کرده اند و شراب آزادی مطلقه بدیشان نوشانیده اند از این رو این گلهای معطر و این آزادگان مکرم در گرفتن هر شب یک هم خوابه و همسر تولید شده اند.

اما در هندوستان چون دختران بی بدیل در حسن یا نورسیدگان به دایره بلوغ که شوهر و خواستگاری نداشتند بر حسب حکم قانون قدیم لابد خود را برای یک بت عقد بسته افتخاراً شوهری بت را اختیار میکردند و به بندگان بت و پرستندگان او قربه الیه و طلب الرضایه همسر و همبستر می شدند.

و این زنان تا این زمان در ملت هنوز بسیار محترم اند و از آنوقت تا کنون این زنان خدا تراشیده و خدمت گزاران و بندگان بت و مهمانان عزب نورسیده رسم آزادی و قانون دلشادی را در هندوستان معمول کرده و در سایر ملل هند نیز شایع شده است.

اما در ایران نه تنها فقر و فاقه و پریشانی ایشان اسباب رواج این بازار است بلکه طبع عربی یا حدیث ان الله یخلق من کل قطرة من قطرات الفسل ممتنع ملکاً يستغفر الله له الی یوم القیمة منع شده اساس بی میزان و مقیاس این کار شده.

اخلاق این سه دسته از زنان بر حسب لازم طبیعت در هر ملکی طوری است.

اما آنانکه در هند خود را با خدای خویش عقد بسته اند اگر چه در محاکمات وجدانی مقصرند اما چون جزو کیش و آئین و اسباب افتخار و شرف دین است چندان محزون و مغموم نیستند و مؤاخذات وجدانی را بهیکل بت حواله می کنند و بر حقانیت خود شوهر خویش را گواه می آورند.

اما در فرنگستان اگر چه بواسطه تضییع حقوق عصمت که طبیعی هر زن است شرمسارند اما بمصداق البلیة اذا عمت طابت و بواسطه اینکه چندان بگزر مالک دوزخ اعتقاد ندارند آن قدرها در خوف و بیم نیستند و از پلیس و داروغه و کدخدا ابدان پاک و هراسی ندارند نهایت در مجمع ربات عصمت و عفت خجل و در محکمه طبیعت منفعل اند.

اما این فقره در ایران به بدترین وجهی مجری است زیرا که اسباب خوف و خشیت و بواعث انفعال و خجالت از هر جهت جمع است مع هذا در کمال جرئت و بی شرمی و در نهایت هرج و مرج و بی نظامی در رواج این متاع جهد بلیغ دارند.

مثلاً انفعال در محکمه طبیعت و در مجالس دولت و ملت برای فواحش ایران موجود

است خجالت فامیلیا و ترس از تعاقبۀ روز جزا وحشت از حکومت و داروغه و فراش لرزه و بیم از پدر و مادر و قوم و خویش و بیگانه و آشنا با همه این مصائب از شدت فقر و فاقه تن بهر ملامت و شماتت در میدهند و بدین بی ناموسی راضی می شوند.

فواحش ایران باید دعا به دولت شمر ابن ذی الجوشن و یزید ابن معاویه و قوه جماله کاذب روضه خوانها و بیحیاگری حدیث جعل کننده و حماقت شنونده نمایند.

و ما اخلاق رذیله و صفات ناپسندیده فاحشگان ایران را ملامت مینمائیم.

در فرنگستان اگر مستی با هزار لیره نوط بحجره منزل یک روسپی برود و از شدت سرمستی پا را از سر و سر از پا نشناسد جان و مال و ناموشش بضمانت دولت در حفظ آن روسپی است.

اما در ایران هر کس پا در این حلقه نهاد دچار هزار مصیبت و گرفتار صد قسم بدبختی می گردد که کمتر آن دزدیدن و بردن مال اوست.

و بسیار دیده شده که اکثر جندگان ایران با داروغه و کدخدا عقد اخوت و عهد مودت بسته اند که هر شکار که بدست آرند بقسمت مالشرا تاراج و آبرو و نام و شرفش را هراج نمایند.

قصص و حکایات شاهد به این مدعا در دفتر روزگار هر زن باز ایرانی پر است فاطلبوا من اهلها.

بالجمله اخلاق این طبقه زنان ایران از سایر زنان آن فاسد و خراب تر است و ضرر و خسارت اینان به ملت از مخدرات عصمت که شرح حالشان شد بیشتر است زیرا که اینان بواسطه اضطرار در جلب درهم و دینار بهر رذالت و دنائت تن در داده و بر مردم بیچاره هزار گونه حيله و ظلم و خدعه و تزویر و دسیسه روا میدارند.

فاضر بوهن ثمانین جلده ثم هن لعلهم تفلحون

خطابه سی و پنجم

ای جلال الدوله ختمی مآب محض اجتناب از کثرت فحشاء در اعراب به حکم الله آیه حجاب را آورده و لثام اعراب کالانعام را مانند لجام از اغلب حرکات زشت و حشیانه بازداشت و اساس عصمت و عفت را تا یک درجه در تازیان بنا گذاشت اما بهمان درجه که دواى این طبیعت ربانی و حکیم سبحانی سرسام داران تازیان را مفید است فالجان ایران را کور و کوروش و چلاق کرد.

زنان ایران یک هزار سال است مانند مردگان اعراب و زنده بگوران تازیان در زیر پرده حجاب و کفن جلباب مستور و در خانهای چون کور محبوب و مهجور شده اند. دقت زنان ایران در این عادت به درجه ای است که رو بندهای آنان نه روزنه تنفس دارد و نه منظره تجسس.

اما چه فایده که این حجاب بجای اینکه پرده عصمت و ستر عفت ایشان شود سد راه آدمیت و مانع عظیم برای کسب تربیت و معرفت در ماده آنان گشته بقسمی این پرده داری زنان ایران را در مجاب از کشف حقایق و تعلیم آداب و کسب شرف و علوم منع نموده که بکلی آنان را از درجه آدمیت مهجور و از حظوظ زندگانی محروم ساخته نه تنها روی خود را بسته اند بلکه دست و پا و بازو و گوش خود را از تمام فواید ممنوع کرده و نصف خلق ایران که زنان اند حالت فالج فقیر کرو و کور دست بزنجیر را دارند. از این است که همه جاهل و نادان و مهممل و سرگردان قدرت بر خدمت اجتماعیه ابدأ در ایشان نیست. حکمای عالم راه کسب دانائی و تحصیل علم و بینائی را چشم و گوش می دانند و تمام ادراکات عقلاتی را از این دو معبر و ممر میگویند و در زنان ایران این دو راه مسدود است نمی بینند مگر حرکات ظالمانه شوهر و نمی شنوند مگر تعرضات و فحشهای آن نامرد دنی را دیگر خبر از اینکه مردم در چه زندگانی هستند و برای چه در دنیا زیسته اند ندارند هم بکم عمی فهم لایعقلون یعنی زنان پرده نشینان ایران این حجاب نه تنها ایشان را از حقوق بشریت مهجور و از حظوظ حیات دور کرده بلکه ضرر این بمردمان بمراتب بیشتر از ایشان است در محکمه طبیعت بحکم قوانین عادله وجدانی که در هر انسانی گذارده شده واضح و روشن است که تمام اخلاق عالیّه و صفات فاضله مانند غیرت و شجاعت و ادب و انسانیت و سخاوت و جلالت در انجمنی تشکیل می شود که زنان بهمان سان و هیچکس بر آن مادامهای محترمه که با شوهران یا دوستان خویش که در ملاء عام روی گشوده و موی فرو ریخته در جاده عمومی خیابان شانزه لیزه نشسته اند اعتراض نمیکند یا در مجلس بال فلان مرد با شال را که می رقصد ملامت نمینمایند اما اگر یک زن برای ادای نماز صبح برخیزد و بآداب مقدسات ایران وضو گرفته سر بزمین و کون بهوا کند گذشته از اینکه شوهر ملامتش نماید فوراً او را محض معالجه به بیمارخانه خواهد برد.

یکی از مقدسین در هتل لندن بعد از اخبار با آوردن قهوه بنماز ایستاده بود پیشخدمت چون قهوه می آورد می بیند این میهمان محترم از وضع معمول طبیعی خارج شده گاه خم می شود و گاه راست گاه سر بزمین نهاده کون بهوا گاه دست بلند میکند در کمال حیرت پیش آمده و به دوسه زبانی استفسار شوریدگی و اختلال احوال آن مقدس را نموده چون قدسی مآب مشغول نماز بود جواب نداده پیشخدمت بیچاره متوحشاً از اطاق بیرون آمده و شرح حال او را بمدير اطلاع داده مدير بر حسب وظیفه خویش دکتر هتل را برداشته وارد اطاق مقدس میگردد او را در حالت رکوع و سجود می بیند دکتر می گوید این مرد بمرض جنون مبتلا است و او را برای معالجه بدینجا آورده اند بآدرارالمجانین اطلاع داده خدمه آنجا برای بردن مقدس به هتل می آیند بالاخره پس از قیل و قال و سؤال و جواب بسیار صاحب هتل با مقدس قرار میدهد که مادام که در آن هتل است این اطوار جنون کردار را بجا نیاورد. معلوم است عادات هر قوم خاصه وحشی در نزد قوم دیگر نه تنها باعث ملامت و

سرزنش است بلکه اسباب حیرت و عبرت است بمثل مسئله فاحشگان چون منافی شرع و عرف ایشان است باعث تولید صد قسم اخلاق رذیله که همه از ترس و خوف است در آنان خواهد شد. برخلاف آنجا که مبهیات لذایذ انسانی که مقویات قوه فضیلت است شرف حضور داشته باشند آنقدریکه این ریاحین ریاض جهان دماغ دل و روان را تازه می کنند و فرح و سرور بی اندازه میدهند هیچ مکیف و منشط و مفرحی آنقدر قوت ندارد.

دیدن چشمان شهلای سیاه که چون غزالان قدس در سایه منیل زلف بالای چمن و گل و خرمن ارغوان آرمیده شیران قوی پنجه غیرت را که در نیستان جان مردان خفته بیدار می سازد و بهیجان می آورد لب لعل کوثر آسای جان بخشای سہی سروان چمن حسن و ملاححت که بر چشمه نور و حقہ یاقوت پر از گوهر هاله انداخته تشنگان وادی شوق و رقابت را بسرچشمه شرف و فتوت می رساند ادب و کمال و ملاحظه حال و ترحم و مروت و انصاف و فتوت در محفل بانوان محترمه که درس عشق را مدرس و معلم اند بکمال می رسد افسوس که ایرانیان هنوز لذت این ماء حیات که یک ملت را بحرارت و غیرت زنده می کند نچشیده اند.

مسئله قوای مردان از معاشرت زنان ده چندان می شود که محجوب بمانند و تسکین خواطر و تولید اخلاق عالیہ و صفات متعالیہ در مرد از حشر با زنان در مجالس عمومی می شود و بر غیرت آنان طبعاً می افزاید.

بلی چون طبیعت مردان را میل بمعاشرت و مصاحبت زنان زیاده از حدی است که محتاج به بیان و برهان باشد.

در هر ملتی که از این فیض بزرگ ممنوع و از این فوز عظیم محروم اند ناچار مسئله بچه بازی و غلام بارگی تولید شده زیرا که پسران ساده را به زنان شباهتی است و این از اشتباهات طبیعت است. از این جهت در ملت ایران این مهلکت بسرحد کمال رسیده اتاثون الرجال شهوة من دون النساء مصداقش در ایران است.

واصل این اساس از احتجاب زنان می باشد که در ایران پیدا شده زیرا که آن میل طبیعی که در مردان از دیدار زنان موجود بوده پس از آنکه از آن فیض محروم مانده ناچار بحکم اجبار ایشان را سوق بسوی بچه بازی و با پسران عشق بازی نمودن کرده.

سعدی شیرازی و قاتنی قبیح و قبیح و شعرای دیگر ایران دیوانهای بزرگ در اثبات سخن ما دارند که محتاج به بیان دیگر نیست.

برحسب قانون مطهر اسلام بیع و شری در اشیاء و امتعه غیر معلومه فاسد و باطل است. این حکم انور بکلی در ایران منسوخ شده بقسمیکه هر کس خریدار جمال پرده نشینان ایران می شود و مشتری مخدرات ایشان می گردد باید ندانسته و ندیده و نفهمیده و نشناخته بخورد و این خلاف شرع مطاع بکلی اسباب زندگانی زن و شوهری ایران را در یک عمر مختل و معطل ساخته چنانچه شب زفاف که بعد از اضطراب پرده حجاب از میان برداشته

می شود بی میلی و اساس بی رغبتی در زمین سینه زن و سینه پر کینه شوهر ریشه می دواند چه که بسیار شده در همان شب اول مرد و زن هر دو یکدیگر را نپسندیده و اجباراً و اضطراراً هر دو تن بمدح بیجا و نفاق و ریا باهم در داده اند نه مرد را قوه دم زدن که نمیخواهم و نه زن را تاب لا و نعم که با این شوهر حشر نمیتوانم و این مسئله ناشی از حجاب است.

اما در فرنگستان بحکم بی پردگی و بقانون طبیعی پیش از عقد مزاجت مدتهای متمادی مرد و نامزد باهم محشور و از اخلاق و عادت هم باخبرند لهذا با سر رشته خریده و با خبرت می فروشند و بعد از اطلاعات عقد مزاجت می بندند.

خلاصه بیش از [این] نتوانیم علل و خلل تزویجی را که با حجاب شده از ترس متعصبان بی غیرت ایران شرح دهیم.

با مدعی مگوئید اسرار عشق و مستی تا بی خبر بمیرد در عین خود پرستی اما برآستی میگویم که نه به آن شوری شور فرنگستان و نه به این بی نمکی ایرانیان باید مسئله ازدواج را رواج داد.

چون فرنگیان آن قدر عنان آزادی و اختیار را در کف زنان نهاده اند که اگر آنانرا با دیگران در یک بستر خفته ببینند دم نزنند و به مادام خلاف احترام نکنند.

بالعکس ایرانیان آنقدر عرصه اختیار را بزنان تنگ کرده که بدون اذن شوهر از اتاق بیرون رفتن نتواند و باید در حجره مقفوله بتوته نمایند.

اما بنایم آن خوی بی عصمتی و صفت بی شرمی ایشانرا که با همه تعصب و دقت شوهر و رقبت هزار وسیله برای خفتن با حییب دیگر بکار میبرند که عقل انسان از درک حیل ایشان حیران بماند چنانکه کتاب مکر زنان از این قبیل قصص پر است.

خلاصه اغلب اخلاق رذیله شوهر و زن در اولاد ایشان طبیعی و فطری شده و کار بجائی کشیده که دو برادر متفق در ایران خارج از دایره امکان است و تمام این مفاسد و جمیع این معایب بدی اساس ازدواج و زشتی مسئله متعه و تعدد زوجه که مخالف وان خفتم الاعتدلوا فواحده تولید شده است.

گروه‌های نیسپیکر

از ۵ فروردین ۱۳۶۳ تا ۲ دیماه ۱۳۶۴

تنظیم از ناهید یگانه

۵ فروردین ۶۳

مراسم بزرگداشت روز زن و ولادت حضرت فاطمه توسط دولت در تهران و سایر شهرها برگزار شد. در تهران پس از برگزاری نمازهای جماعت ظهر و عصر در مساجد مختلف، زنان در حالی که عکسهای بزرگی از آیت الله خمینی و منتظری و سایر شخصیت‌های سیاسی و مذهبی را حمل می‌کردند و شعار می‌دادند از خیابانهای اصلی شهر عبور کرده، در دانشگاه تهران اجتماع کردند. پس از تلاوت قرآن و اجرای سرود پیامی توسط یک زن عراقی خطاب به زنان جهان و به ویژه زنان عراق قرائت شد.

۲۰ فروردین ۶۳

به گزارش کیهان، گروهی از زنان اعضای مکتبهای اسلامی قم و مسجد جامع نارمک در حسینه جماران با آیت الله خمینی دیدار کردند. در این دیدار، خمینی بیاناتی خطاب به زنان ایراد کرد و آنان را به شرکت در امور جامعه و تحصیل علم «با حفظ اخلاق اسلامی» تشویق کرد. در مورد شرکت زنان در انتخابات چنین گفته شد: «شما باید در همه صحنه‌ها و میدانها آن قدری که اسلام اجازه داده وارد باشید. مثل انتخابات که امروز عملی است که باید انجام بگیرد و صحبت روز است. در ایران خانمها همان طوری که مردها فعالیت می‌کنند برای انتخابات خانمها هم باید فعالیت بکنند... حفظ اسلام به این است که این انتخابات که می‌خواهد مجلس دوم را متحقق کند بدانید که انتخابات از اموری است که در سرنوشت شما و در سرنوشت ما نقش

مهم دارد. و بالا ترین نقش است و این انتخابات است که همه امور کشور را چه در داخل و چه در خارج باید بگذرانند.»

۲۳ فروردین ۶۳

روزنامه های کشور عکس و مشخصات زنان کاندید نمایندگی مجلس را انتشار دادند که شامل طاهره دباغ، فاطمه نواب صفوی، پروین مباحانی، دستغیب، طیب زاده، و رجائی بود.

فروردین ۶۳

کمیته اجرایی «بین الملل سوسیالیست زنان» در جلسه ای در دانمارک قطعنامه ای صادر کرد و در آن نگرانی عمیق خود را نسبت به نقض حقوق اولیه بشر در ایران در مورد زنان ایرانی اعلام داشت. در این قطعنامه ادامه جنگ ایران و عراق نیز محکوم شد و از تمام زنان سوسیالیست جهان خواسته شد تا با هماهنگی اقدامات خود کوشش کنند از هر طریق ممکن به اعدام ها و شکنجه زندانیان سیاسی، بخصوص زندانیان سیاسی زن در ایران، پایان داده شود.

۱۳ اردیبهشت ۶۳ روزنامه شورا، ارگان «شورای ملی مقاومت»، مقاله ای از مریم رضوانی به عنوان «زن مجاهد چگونه تولد یافت» انتشار داد که در آن آمار

مختلفی درباره مبارزه زنان مجاهد آمده است. بنا به این آمار و ارقام، از لیست ۷۷۶۴ نفری کشته شدگان مجاهد از ۳۰ خرداد ۶۰ تا آن تاریخ، تعداد ۷۹۹ نفر را زنان مجاهد تشکیل می دهند (علاوه بر ۶۵ نفر زنانی که هویت سازمانی نامشخص دارند). از این عده، سن ۲۴۳ نفر نامعلوم است، ۱۰۵ نفر کمتر از ۱۸ سال دارند، ۳۵۸ نفر بین ۱۹ تا ۲۵ سال، ۷۹ نفر بین ۲۶ تا ۳۸ سال و ۱۰ نفر بالاتر از ۳۸ سال داشته اند. از لحاظ حرفه، ۱۴۷ نفر دانش آموز و دانشجو، ۶۵ نفر معلم و دبیر، ۲۱ نفر خانه دار، ۱۲ نفر کارمند، ۱۰ نفر پرستار و ماما، ۲ نفر پزشک، ۱ نفر مهماندار، ۱ نفر مددکار، ۱ نفر مهندس وجود داشته است و حرفه ۵۳۹ نفر نامعلوم بوده است.

خرداد ۶۳

«کمیته موقت برگزاری بزرگداشت روز جهانی زن» که با انتشار بیانیه ای در بهمن ۶۲ فعالیت های عملی خود را در پاریس آغاز کرده بود، جلسه ای همگانی برای «بحث و تبادل نظر درباره مبارزات زنان در ایران از قیام بهمن ۵۷ تا امروز و تعیین وظایف کنونی» تشکیل داد.

۳۰ خرداد ۶۳

روزنامه کیهان (چاپ لندن) اعلام داشت که طبق مقررات جدید پوشش زنان، «ورود زنانی که پوشش مجاز نداشته باشند به بانکها ممنوع شد. این تصمیم با آغاز اجرای رهنمود تازه بانک مرکزی به مرحله اجرا درآمده است. انتظار می رود که تصمیم تازه به دیگر سازمانهای

دولت نیز گسترش یابد... رهنمود که امضای دکتر محسن نوربخش را دارد هشدار می دهد که با متخلفین طبق موازین شرعی و مقررات قانونی قاطعانه برخورد خواهد شد.»

۳۰ خرداد ۶۳

بر اساس اطلاعیه فدراسیون کوهنوردی جمهوری اسلامی، کوهنوردی زنان مسلمان ممنوع شد. این آیین نامه همچنین به کوهنوردان هشدار داد که هنگام کوهنوردی از انجام هر گونه اعمال خلاف شرع و عفت عمومی و خلاف شئون و مصالح جمهوری اسلامی پرهیزند.

۲۸ تیر ۶۳

در تهران و چند شهر دیگر تهاجمات وسیعی توسط پاسداران و حزب اللهی ها به زنانی که حجاب اسلامی را مراعات نکرده اند انجام گرفت. موج جدید «مبارزه با بی حجابی» کمتر از دو ماه پس از شروع برنامه موسوم به «امر به معروف و نهی از منکر» و تصویب نهایی آن توسط شورای عالی قضایی جریان پیدا کرد. اجرای این برنامه به عهده کمیته ها گذاشته شد و «گشت و یژه منکرات» برای این کار تشکیل شد.

۲ مرداد ۶۳

وزیر کشور و سرپرست کمیته ها، ناطق نوری، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که تظاهرات ضد بی حجابی غیر قانونی بوده است.

۶ مهر ۶۳

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) جزوه ای از رقیه دانشگری تحت عنوان «از رنج و رزم زنان ایران» منتشر کرد. در این جزوه، قطعنامه «اوضاع سیاسی، جنبش توده ای وظایف ما» از پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان آمده است که در آن چنین گفته شده است: «مسأله زنان به یکی از حادترین مسائل اجتماعی کشور ما بدل شده است. تلاشهای فوق ارتجاعی رژیم برای لگدمال کردن شخصیت و تمام حقوق اساسی و مسلم زنان و ارتکاب جنایات هولناک و اعمال توهین آمیز علیه زنان، خشم و نفرت عمومی را برانگیخته است. جنبش زنان برای دفاع از حقوق پایمال شده زن علیه نابرابری اجتماعی و بیدادگری ارتجاع حاکم گسترش می یابد. زنان ایران رکن مهم و نقش آفرین جنبش دمکراتیک و انقلابی میهنند. فعالیت انقلابی با استقبال روز افزون وسیع توده زنان مواجه است. سازمان باید سازماندهی و ارتقاء جنبش توده ای زنان را مورد توجه جدی قرار دهد.»

۱۲ آبان ۶۳

هیئت اجرائیه جبهه ملی ایران در اروپا اعلام کرد که از این پس ستونی در ارگان خود ایران آزاد برای زنان و مسائل و مبارزات آنها

اختصاص داده خواهد شد و از زنان ایرانی دعوت کرد که با ارسال مقالات، اخبار، نوشته‌های دیگر از آن استقبال کنند، زیرا «رسالت مبارزه با احکام و قوانین و سنتهای ارتجاعی در درجه اول بعهده زنان آزادیخواه ملی و دموکرات است.»

۱۷ آبان ۶۳

دولت جمهوری اسلامی طی صدور بخشنامه‌ای به شرکتهای هواپیمایی خارجی که به تهران پرواز می‌کنند دستور داد تا بانوان مسافر خود را که عازم تهران هستند به پوشش حجاب اسلامی موظف کنند.

۱۷ آبان ۶۳

در گفتگوی اختصاصی روزنامه کیهان با آیت الله مهدوی کنی رئیس دادگاههای مدنی خاص وی اظهار داشت که قانون حمایت خانواده را نمی‌توان به کلی کنار گذاشت و صدور اجازه گرفتن زن دوم به دادگاه محول شد.

۱۷ آبان ۶۳

طبق اظهارات آیت الله مهدوی کنی به روزنامه کیهان، آمار نشان می‌دهد که جمعیت ایران به مقیاس ۵۰/۵ درصد زن در برابر ۴۹/۵ درصد مرد ترکیب شده است و این نسبت حداقل ۲۰ سال است که ثابت مانده است. بنابراین در ۲۰ سال گذشته اکثریت جمعیت ایران را زنان تشکیل داده‌اند.

۱۷ آبان ۶۳

علی شریعتمداری عضو شورایی عالی ستاد انقلاب فرهنگی و سرپرست مرکز بررسی مسائل اجتماعی - روانی اعلام کرد که افزایش طلاق در دادگاهها، ازدیاد سرقت، اشاعه اعتیاد در بین جوانان، و انحرافات دیگر ضرورت تشکیل یک مرکز مسائل اجتماعی - روانی را ایجاب می‌کند. آمار موجود نشان می‌دهد که تنها در سال گذشته بیش از ۵۱ هزار نفر در سطح کشور در گروه سنی ۱۶ تا سی سال در رابطه با این قبیل جرایم دستگیر و بازداشت شده‌اند. آمار ازدیاد طلاق در سال گذشته اعلام نشد.

۱۷ آبان ۶۳

مطابق گزارش روزنامه کیهان (چاپ لندن) وجود هزاران بیوه جنگ یک مشکل بزرگ اجتماعی برای جمهوری اسلامی ایجاد کرده است. طبق گفته این روزنامه، هم اکنون دست کم ۲۰۰ هزار بیوه جنگ در ایران وجود دارد و در تهران مراکز نگهداری موقت از زنان بیوه تأسیس شده است. با زنان مقیم این مراکز مرتب مصاحبه می‌شود و عکس و مشخصات داوطلبان ازدواج از این طریق در اختیار چند مرکز قرار می‌گیرد. اداره این مراکز عموماً در دست روحانیون است. در این مراکز مردانی که می‌خواهند از میان بیوه زنان برای خود همسر برگزینند،

عکس داوطلبان را می بینند و خلاصه ای درباره زندگی آنان را می خوانند و همسر مطلوب خود را انتخاب می کنند. اما در کل بیوه زنانی که در مسیر ازدواج مجدد و در نتیجه پیدا کردن جای تازه ای در جامعه قرار می گیرند بسیار معدودند. هزاران بیوه زن به ناچار به سخاوت خانواده های خود — که غالباً وسیع مالی چندانی ندارند — متکی هستند. بسیاری از آنان در حاشیه شهرهای بزرگ به کارهای موسمی تن در می دهند و بتدریج در منجلاب فقر فروتر و فروتر می روند.

۲۶ آبان ۶۳

روزنامه اطلاعات در مقاله ای تحت عنوان «مسئولیت زنان در قبال خانواده» نتیجه گیری کرد که «وظیفه اصلی زن به کارخانه و فرزندان رسیدن است و این خود وظیفه ای سنگین و شغلی دشوار است. گرفتاریهای متعدد زن ایجاب می کند که از او وظیفه ای جدید نخواهیم، بویژه در آنچه که مربوط به جنبه های اقتصادی و درآمد زائی [است]. با این حال زنان می توانند در ساعات فراغت به کارهای بافندگی، دوزندگی و گلدوزی بپردازند. البته بدان شرط که کار اصلی شان بر زمین نماند. حتی می توانند نویسندگی و تحقیق داشته باشند و با این کار ضمن کمک به خانواده و حفظ استقلال مالی، به دولت و اجتماع نیز خدمتی انجام دهند. در همه حال فراموش نخواهیم کرد که هیچ یک از اعضای خانواده نمی توانند کار خود را به دیگری محول کنند و بگونه ای از زیر بار تعهد و مسئولیت خود شانه خالی نمایند. اصل تقسیم کار رسول خدا (ص) را درباره فاطمه (س) و علی (ع) فراموش نکنیم.»

۱۲ دی ۶۳

لایحه بیمه خاص زنان بیوه و سالخورده و کودکان بی سرپرست که در اجرای اصل ۲۱ قانون اساسی از سوی هیات دولت تنظیم و جهت بررسی مواد قانون قضایی به شورای عالی قضایی ارسال شده بود مطرح شد و با اصلاحاتی به تصویب شورا رسید، تا جهت تصویب نهایی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود. پیش از این، این لایحه در جلسه ۴۹۳ مجلس شورای اسلامی مورد بحث نمایندگان قرار گرفته بود و مخالفان آن (از جمله رحیمی نماینده مجلس) اظهار داشتند که «بجای طرح تأمین زنان بی سرپرست، ما باید دو، سه، چهار زن گرفتن با آن شرایط اسلامی را رواج داده و قبحی را که در طول این چند سال بوجود آمده از بین ببریم و بصورت ثواب و اسلامی بودنش مطرح بکنیم و بعد مسئله متعه را که یکی از قوانین اسلامی است بطور قانونی و از روی

عدالت اجتماعی رواج بدهیم.»

۱۵ دی ۶۳

علی خامنه‌ای رئیس‌جمهور، با اشاره به روز ۱۷ دی گفت «مسئله هفدهم دی از معجزات انقلاب است. رژیم گذشته هفدهم دی را به عنوان روزی برای رها شدن زنان از قیود اخلاقی اعلام کرده بود. مسئله مشکل حجاب نبود، بلکه می‌خواستند فرهنگ تجملی و مصرف‌گرایی و آرایش را در مملکت طراحتی کنند و با تلاش چندین ساله خود تا حدودی هم موفق شدند... عامل این کار رضاخان بود که با قلدری وادار کرد زنان در مجامع عمومی ظاهر شوند و حجاب را ممنوع کرد و کسانی که می‌خواستند حجاب را حفظ کنند باید گوشه‌خانه می‌ماندند. اما چنین رویه‌ای موفق نشد. امروز که وضعیت تقریباً اسلامی در کشور خود داریم می‌فهمیم که آن روز در چه ورطه خطرناکی بسر می‌بردیم.»

۱۷ دی ۶۳

گروههایی از زنان ایرانی در خارج از کشور، مجالسی به مناسبت سالگرد روز «کشف حجاب» برگزار کردند. در لندن اعلامیه‌هایی به زبانهای فارسی و انگلیسی پخش شد و جلسه و یژه‌ای نیز تشکیل شد که در آن قطعنامه‌ای به تصویب رسید. در این قطعنامه گفته شد که ستمی که امروز زنان ایرانی قربانی آن هستند از ستمی که بطور کلی تمامی ملت ایران از آن رنج می‌برد جدا نیست. قطعنامه، همچنین اعلام می‌کند که هیچ برنامه‌ای برای آزادی ایران نمی‌تواند بدون تعهد راستین به اصل برابری حقوق زن و مرد، جدی گرفته شود و به جایی هم نخواهد رسید. در لوس آنجلس سازمان زنان ایرانی مقیم آمریکا تظاهراتی در برابر مقر شهرداری و سپس در برابر ایستگاه تلویزیون کانال هفت برگزار کرد. در این تظاهرات گروهی از دختران خردسال با مقنعه و حجاب تحمیلی ظاهر شدند. تظاهرکنندگان همچنین، صحنه نمایش اعدام یک زن باردار را بوسیله پاسداران جمهوری اسلامی بازی کردند. در آتن گروهی از زنان ایرانی در برابر دفتر مرکزی حزب سوسیالیست که حکومت یونان را در دست دارد، اجتماع کردند. آنها در ملاقاتی با مسئولان بخش بین‌المللی حزب، خواستار موضع‌گیری حزب و دولت علیه «اقدامات غیر انسانی رژیم خمینی در مورد زنان» گردیدند. خانم حمیده مهرآسا، سخنگوی زنان، گفت «بعضی زنان ایران در انقلاب علیه شاه شرکت کردند و اکنون تمامی حقوق انسانی خود را از دست داده‌اند. به همین جهت زنان حاضر نیستند اشتباه

گذشته را تکرار کنند و تنها از جنبشهایی حمایت خواهند کرد که آزادی زن و تساوی حقوق زن و مرد را جزو هدفهای اصلی خود اعلام کند.»

۲۷ دی ۶۳

محسن رفیق‌دوست وزیر سپاه پاسداران تشکیل سپاه دانش زنان را تحت عنوان «سپاه خواهران» اعلام کرد و گفت «ما نمی‌توانیم کاری به خواهران بدهیم. نقش خواهران در سپاه به عنوان یک موضوع مورد بررسی و در دستور کار شورای عالی سپاه است که پس از این که شورا بر روی آن بحث کرد و نتیجه‌گیری نمود ما آن را بعنوان مصوبه شورا اعلام می‌کنیم تا خواهران ما نقش خودشان را در حال و آینده سپاه بدانند.»

۳ بهمن ۶۳

روابط عمومی مجلس شورای اسلامی گزارش کار دیروز کمیسیونهای مجلس را اعلام کرد. مطابق این اعلامیه «در جلسه دیروز کمیسیون نهادهای انقلاب، طرح قانونی اعطای حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها مورد بررسی قرار گرفت و با اصلاحاتی به تصویب رسید.»

۶ بهمن ۶۳

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با عده‌ای از زنان پیش حوزه جمهوری اسلامی استان تهران و اعضاء و هواداران حزب جمهوری اسلامی شعبه اراک ملاقات کرد و خطاب به زنان گفت: «هیچ فرقی بین خانمها و آقایان برای شرکت در حزب وجود ندارد. بلکه خانمها چون مدتی از جامعه دور بوده‌اند، باید بیشتر در حزب شرکت کنند. مثلاً یک مادر که مسئولیت یک فرزند را دارد و می‌خواهد این فرزندش را برای آینده و نسل فردا تربیت کند، بیشتر باید در حزب باشد و اطلاعات زیادی کسب کند تا مادران ما نسل فردا را بخوبی بتوانند تربیت کنند و به آنها جهت بدهند.»

۶ بهمن ۱۳۶۳

اکرمی وزیر آموزش و پرورش در گردهمایی سه روزه نمایندگان زنان فرهنگی سراسر کشور در مرکز تربیت معلم دینی و عربی دختران تهران گفت که «متأسفانه بطور جسته و گریخته در بعضی از شهرها بی‌توجهی نسبت به امر حجاب کامل اسلامی وجود دارد و باید این گردهمایی روشن کند که چگونه عمل و برخوردی داشته باشیم تا این معضل جامعه اسلامی را رفع کنیم. باید ضمن استفاده از تجربیات خواهران که چگونه توانستند خواهران را به معارف اسلامی آشنا کنند، تلاش شود ضمن رهنمود گرفتن از شیوه‌ها و برخورد ائمه اطهار و زنان

فقیه و دانشمندان، خواهران جامعه انقلابی و اسلامی کشورمان را با حرکتی فرهنگی و ارشادی ضمن جذب، آنان را به اهداف انقلاب اسلامی آشنا سازیم.» وی در ادامه سخنان خود خاطرنشان ساخت که «خواهران در کنار حرکت‌های فرهنگی باید حرکت‌های سیاسی و اجتماعی را هم دنبال کنند.»

۸ بهمن ۶۳

علی خامنه‌ای رئیس جمهوری اسلامی در دیداری بانمایندگان زنان فرهنگی سراسر کشور گفت «سیاست انقلاب ما بر جذب افراد است و هر کس خلاف این عمل کند یا بی توجه است یا هدف سویی دارد.»

۱۵ بهمن ۶۳

سمینار «بررسی مقام زن در اسلام و نقش خواهران در روند پیروزمند انقلاب اسلامی» در کانون توحید عمران تشکیل شد. در دومین روز این سمینار سخنران اصلی مادر شهید لبافی نژاد گفت «تأثیر انقلاب اسلامی در تحول خواهران و احیای ارزش‌های الهی در وجود زنان مسلمان که امروزه زینب وار شوه‌ران و فرزندان خویش را مہیای رزم با دشمنان اسلام و قرآن می نمایند، افتخارات مکتب حیاتبخش اسلام و دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی کشورمان است». این سمینار با صدور قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد که در آن «ضمن تأکید بر ضرورت رعایت موازین اسلامی در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی از جانب زنان جامعه و الگو قرار دادن فاطمه زهرا (س) به عنوان الگویی تمام عیار برای تمامی مراحل زندگی، شرکت کنندگان دفاع از انقلاب اسلامی در برابر هر فتنه‌ای را وظیفه شرعی خود دانستند. خواهران شرکت کننده همچنین ضمن گرامیداشت ششمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، از تمامی ارگانهای ذیربط بویژه مجلس شورای اسلامی و مقامات قضایی کشور خواستند در جایگزین نمودن تمامی اصول و مقررات اسلامی و تعیین حدود و محدوده آزادی و جلوگیری از بی بند و باری و اشاعه فساد تصمیمات مقتضی اتخاذ کنند.»

۱۸ بهمن ۶۳

به گزارش کمیته (چاپ لندن)، احکام دادگاه کیفر مشهد نشان می دهد که خساراتی که زنان برای ایجاد جرح در مردان پرداخته اند عملاً ۵۰ برابر خساراتی است که مردان برای ایجاد جرح در زنان پرداخته اند: «بدین ترتیب، نخستین احکام متکی بر ماده ۱۵۳ قانون دیات نشان می دهد که ارزش اعضای بدن یک زن از دید جمهوری اسلامی به مراتب کمتر از اعضای بدن مرد است.»

۳۰ بهمن ۶۳

در جریان بازدید خبرنگاران از لوازم مبتذل بوتیکهای توقیف شده تهران، فرماندهی کل کمیته‌های انقلاب اسلامی، حجت الاسلام سالک، تاکید کرد «اشاعه فساد و منکرات در جامعه سلاح جدید استکبار برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران است، که با هشیاری مردم و قدرت و هماهنگی نیروهای انتظامی و قضایی، استکبار را خلع سلاح خواهیم کرد.» وی با اشاره به گسترش بدحجابی در سطح جامعه تاکید کرد «با این پدیده استکباری نیز پس از توصیه‌های لازم برخورد به موقع و قاطع خواهیم کرد.»

۱۷ اسفند ۶۳

روز جهانی زن در ۸ مارس توسط گروههای مختلف زنان ایرانی و احزاب سیاسی در خارج از کشور جشن گرفته شد. کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه‌ای به مناسبت ۸ مارس گفت «در طول چند سال اخیر هزاران زن و دختر میهن پرست و انقلابی ما، که زیر بار پذیرش سیاست ضد بشری حاکمیت نرفته و علیه آن قیام کرده‌اند، گرفتار سیاهچالهای رژیم شده و بخش مهمی از آنها به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند. هم اکنون تعداد زیادی از زنان و دختران عضو حزب توده ایران و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و سایر نیروهای میهن پرست در زندانهای جمهوری اسلامی تحت شکنجه‌اند.» این اعلامیه، همچنین از مواضع حزب توده در مورد مسئله زنان در ایران دفاع کرده، گفت: «حزب توده ایران که در طول دوران حیات سرتاسر مبارزه خود همواره پشتیبان واقعی حقوق زنان زحمتکش کشور بوده و از آزادی زنان دفاع کرده، بر آن است که نبرد در این راه، عمیقاً با جنبش ملی و دمکراتیک و ضد امپریالیستی در میهن ما پیوند خورده است.» سازمان هواداران حزب کمونیست ایران در خارج از کشور نیز اعلامیه‌ای بمناسبت ۸ مارس صادر کرده و در آن از «ستمی که سرمایه از طریق مذهب اسلام بر زنان ایران روا می‌دارد» انتقاد نمود. بنا بر این اعلامیه برابری کامل و همه جانبه زن و مرد در کلیه شئون و جدایی مذهب از دولت از خواستهای حزب کمونیست ایران است و اعلامیه از تمام کسانی که خواهان برابری حقوق زن و مرد هستند دعوت بعمل آورده که در یک مبارزه متحدانه برای تحقق این خواست، به گرد پرچم حزب کمونیست ایران شرکت نمایند.

۲۲ اسفند ۶۳

حجت الاسلام علی خامنه‌ای رئیس جمهور، در دیداری با گروهی از زنان شاغل در بخشهای فرهنگی، سیاسی، و خدماتی تاکید کرد که

«شغل اصلی زن شغل همسری و مادری است ولی بعضی خیال می کنند این اهانت به زن است، و مهمترین کاری که زن می تواند بکند کار مادری است. البته در مواردی شاید کارهای اجتماعی زنان واجب عینی باشد اما در همه حال خانمها باید فعالیت اجتماعی شان را با حفظ جنبه خانه داری بکنند و الگویشان حضرت فاطمه زهرا (س) باشد.»

۲۳ اسفند ۶۳

آیت الله خمینی با گروهی از زنان «جامعه الزهرا» قم، دانشگاه الزهرا تهران، سازمان زنان مسلمان، انجمنهای اسلامی بیمارستانها و کارخانجات و معلمین و محصلین مدرسه شهید مطهری و ستاد کمک رسانی به جبهه ها و عده ای از خواهران فرهنگی در حسینیه جماران ملاقات کرد. وی خطاب به زنان گفت «بانوان ایران در همه جا فعالیت کردند چه فعالیت های فرهنگی و چه اقتصادی که قشر کثیری از آنها در کشاورزی دخالت دارند و قشر کثیری از آنها در صنعت دخالت دارند و قشر کثیری در فرهنگ و ادب و علم و هنر و همه اینها پیش خدای تبارک و تعالی مشهود است... و البته باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است برای حفظ آن ارزشهای شماست.»

۲۹ اسفند ۶۳

اطلاعیه دفتر سیاسی و کمیته مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن اشاره به «نقش تاریخی مسعود رجوی در مسیرهایی زن» و ضرورت «انقلاب ایدئولوژیک» در درون سازمان مجاهدین، به معرفی «رهبری نوین سازمان» پرداخته و «تصمیم فرخنده انقلابی و توحیدی برای ازدواج خواهر مجاهد مریم عضدانلو با برادر مجاهد مسعود رجوی» را به اطلاع عموم رسانید. در این اطلاعیه آمده است که «دفتر سیاسی با الهام از آیات قرآنی درباره ازدواج پیامبر اکرم با همسر پسرخوانده اش که در کلام الله مجید حقا تبلیغ یکی از خطیرترین رسالت های خدایی توصیف شده است، پذیرش ازدواج با مریم را به مثابه حرکتی «فرا تر از حماسه» از جانب مسعود ارزیابی نمود و آن را به مثابه «اوج کیفی جدیدی بر فراز تمامی حماسه های تاریخ مجاهدین» و بزرگترین و مهمترین و خطیرترین ابتلاء کل دوران مبارزات و حیات سیاسی و تمامی تاریخچه رهبری مسعود بر سازمان مجاهدین دانست. بنحوی که اگر مسعود را یارای پذیرش مختارانه آن نبود و در برابر انواع و اقسام شدايد ناشی از آن مقاومت و عزم و جزم نمی نمود شایسته مقام و مرتبت رهبری نمی شد. همچنان که اگر مریم نیز از بوتة این آزمایش خطیر و تاریخی سرافراز و پیروزمند بیرون نمی آمد مرتبت رهبریش مخدوش می

نمود. ابتلاء و آزمایش خطیری که توفیق در آن سرچشمه فیوضات و برکات فراوان برای سازمان و برای انقلاب ما خواهد بود.» مریم عضدالملوک، که چندی پیش به مقام سازمانی «همتای ایدئولوژیکی مسعود و همدریف مسئول اول سازمان» ارتقاء داده شده بود، از همسر پیشین خود مهدی ابریشمچی جدا شد تا بتواند با مسعود رجوی ازدواج کند زیرا «فعلیت یافتن و تحقق تمام عیار ترکیب نوین رهبری و استمرار و تثبیت آن به نحوی که بتواند تمامی انتظارات ایدئولوژیکی، تشکیلاتی، اجتماعی و سیاسی مطلوب را برآورده سازد، یگانگی هرچه بیشتر مریم و مسعود در راس رهبری سازمان و انقلاب و لاجرم زوجیت و محرمیت آنها را با یکدیگر ایجاب می کند.»

۵ فروردین ۶۴

مراسم بزرگداشت روز زن و ولادت حضرت فاطمه توسط دولت در سراسر کشور برگزار شد و تظاهرات و اجتماعاتی از زنان مسلمان به این مناسبت صورت گرفت.

۱۹ فروردین ۶۴

در جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی به ریاست حجت الاسلام محمد یزدی، گزارش شور دوم کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی در خصوص لایحه نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه وقت زنان مورد بحث و رسیدگی قرار گرفت و به تصویب رسید. گزارش روزنامه اطلاعات از مذاکرات مجلس درباره این لایحه بشرح زیر است:

«پس از تنفس، جلسه دیروز مجلس به ریاست حجت الاسلام محمد یزدی ادامه یافت و گزارش شور دوم کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی در خصوص لایحه نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه وقت بانوان مورد بحث و رسیدگی قرار گرفت.

آقای مصطفی ناصری مخبر کمیسیون کار در خصوص این لایحه توضیحات کوتاهی ارائه نمود و با اشاره به سابقه بررسی لایحه خدمت نیمه وقت بانوان در دوره گذشته مجلس، گفت: شورای نگهبان به دلیل اهمیت مسئله نظر دادند که آیین نامه اجرایی لایحه نیز باید توسط مجلس نوشته شود که این کار انجام شد و اکنون پس از تصویب کلیات و بررسی مجدد و لحاظ شدن پیشنهادات اصلاحی نمایندگان لایحه برای تصویب نهایی تقدیم شده است.

سپس چند پیشنهاد در مواد مختلف لایحه مطرح شد که هیچ یک تصویب نگردید و متن لایحه بشرح زیر از تصویب نمایندگان گذشت:

• لایحه نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه وقت بانوان مصوب

نیمه دیگر

دهم آذرماه ۱۳۶۲: ماده ۱ - در اجرای بندهای ۱ و ۲ از اصل ۲۱ قانون اساسی بانوان کارمند رسمی و ثابت وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و نیروهای مسلح و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است می توانند در صورت موافقت وزیر یا بالاترین مقام موسسه متبوع خود از خدمت نیمه وقت استفاده نمایند.

ماده ۲ - خدمت نیمه وقت خدمتی است که ساعات کار آن طبق مقررات این قانون نصف ساعات کار مقرر هفتگی وزارتخانه و موسسات مربوط باشد. نحوه و ترتیب انجام خدمت نیمه وقت بر اساس ساعات کار وزارتخانه و موسسه ذیربط و طبق نظر بالاترین مقام مسئول دستگاه تعیین خواهد گردید و در هیچ مورد کمتر از نصف ساعات کار مقرر هفتگی وزارتخانه و موسسه و شرکت مربوط نخواهد بود.

ماده ۳ - کارمندانی که از خدمت نیمه وقت استفاده می کنند نصف حقوق گروه و پایه و یا حقوق ثابت و فوق العاده شغل و یا مزایای شغل و یا عناوین مشابه دیگر و فوق العاده ها و مزایایی که بطور مستمر پرداخت می شود به آنان تعلق خواهد گرفت و لیکن فوق العاده های محل خدمت، بدی آب و هوا و محرومیت از تسهیلات زندگی از محدودیت مذکور مستثنی بوده و بطور کامل پرداخت می شود.

ماده ۴ - میزان حقوق و مزایایی که بر اساس مقررات این قانون به کارمندان نیمه وقت تعلق خواهد گرفت مشمول مقررات مربوط به حداقل پرداختی به کارکنان شاغل دولت نخواهد بود.

ماده ۵ - حداقل استفاده از خدمت نیمه وقت یک سال می باشد و در مورد مشمولین طرح طبقه بندی مشاغل معلمان کشور تاریخ انقضاء خدمت مزبور مقارن با اتمام سال تحصیلی خواهد بود.

ماده ۶ - کارمندان پیمانی و غیر ثابت دستگاههای اجرایی مشمول مقررات این قانون نیستند و استفاده مستخدمین رسمی و ثابت از این قانون موکول به پایان یافتن خدمت آزمایشی یا مشابه آن خواهد بود.

ماده ۷ - سنوات خدمت نیمه وقت بانوان از لحاظ سابقه خدمت لازم برای بازنشستگی و استفاده از حقوق وظیفه یا مستمری، بطور کامل محسوب خواهد شد لیکن در احتساب حقوق بازنشستگی و وظیفه یا مستمری و نیز دریافت پایه این گونه کارمندان (علاوه بر مدت خدمت تمام وقت) نصف مدت خدمت نیمه وقت منظور و محسوب خواهد گردید. کسور بازنشستگی یا حق بیمه مربوط به سهم کارمندان مزبور به

نسبت حقوق و مزایایی که بر اساس این قانون به آنان تعلق می گیرد، کسر و به صندوق مربوط واریز خواهد شد.

تبصره - سنوات خدمت نیمه وقت بانوان بشرط پرداخت کسور بازنشستگی و حق بیمه به نسبت تمام حقوق گروه و پایه یا حقوق ثابت و فوق العاده شغل و یا عناوین مشابه تا سه سال از لحاظ بازنشستگی در حکم خدمت تمام وقت محسوب می شود.

ماده ۸ - دوران استفاده از مرخصی استحقاقی طبق مقررات مربوط به کارمندان تمام وقت بوده و فقط میزان حقوق فوق العاده شغل و نیز سایر مزایای مستمر این گونه مستخدمین نصف مبالغ مربوط به کارمندان تمام وقت خواهد بود.

ماده ۹ - مدت استفاده از مرخصی استعلاجی و زایمان برای بانوان مشمول خدمت نیمه وقت مانند کارمندان تمام وقت خواهد بود و در آن مدت از لحاظ حقوق و مزایای تابع مقررات مربوط به خدمت نیمه وقت خواهند بود.

ماده ۱۰ - سنوات خدمت کارمندان نیمه وقت و ارتقاء گروه به نسبت نصف سوابق تجربی مقرر در طرح طبقه بندی مشاغل و یا مقررات مربوط محاسبه خواهد گردید.

ماده ۱۱ - در صورتی که کارمندان نیمه وقت قبل از پایان مدت خدمت نیمه وقت درخواست انجام خدمت تمام وقت را بنمایند در صورت ضرورت و موافقت وزارتخانه و موسسه مربوط خدمت نیمه وقت آنان به خدمت تمام وقت تبدیل خواهد گردید و در هر حال خدمت نیمه وقت کمتر از یک سال نخواهد بود.

ماده ۱۲ - استفاده از خدمت نیمه وقت موقوف به درخواست کتبی مستخدم و صدور حکم جداگانه در این مورد و در حکم باید نحوه و ترتیب خدمت نیمه وقت و مدت استفاده از خدمت نیمه وقت و سایر موارد مشخص گردد.

ماده ۱۳ - مشمولین این قانون به هیچ وجه و تحت هیچ عنوان نمی توانند در وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی یا غیردولتی دیگر به کار اشتغال ورزند و در صورت اشتغال در واحدهای مذکور از دستگاه متبوع خود اخراج شده و حقوق و مزایای آنان از تاریخ اشتغال قطع می گردد.

ماده ۱۴ - استخدام جدید به هر شکل بجای کارمندان نیمه وقت

ممنوع است.

ماده ۱۵ - پرداخت فوق العاده اضافه کار ساعتی و فوق العاده روزانه به این قبیل کارکنان ممنوع می باشد.

ماده ۱۶ - سایر موارد استخدای که در این قانون پیش بینی نشده است تابع مقررات مربوط بخود خواهد بود.

ماده ۱۷ - از تاریخ تصویب این قانون کلیه مقررات مغایر با آن لغو می گردد.

۳ اردیبهشت ۶۴ علی خامنه ای رئیس جمهور طی مصاحبه ای نظرات خود را پیرامون تظاهرات اخیر در تهران بر علیه «بدحجابی» و «بی حجابی» اعلام داشت. رئیس جمهور در این مصاحبه اعلام کرد که از امروز دیگر این تظاهرات باید متوقف شود و مسئولیت برخورد با متخلفین و عوامل اشاعه فساد و فحشاء و منکرات به عهده مراجع قضایی و انتظامی کشور است. وی اظهار داشت «ضمن این که حضور مردم و احساسات آنها را در مقابل بدحجابی، گرایش به فساد و فحشاء و تظاهر به منکرات و تظاهر به بی حجابی قبول داریم و می پذیریم و محق می دانیم، ولی تندرویهای از این قبیل را تحمل نمی کنیم و متأسفانه چنین تندرویهای گاه مشاهده شده که ما تصور می کنیم این کار گروهکهای نفوذی، آدمهای بدخواه و کسانی است که می خواهند چهره جمهوری اسلامی و بخصوص چهره حزب الله را در نظر مردم گوناگون و با سوابق مختلف خراب کنند.»

۴ اردیبهشت ۶۴ وزیر کشور، علی اکبر ناطق نوری، با انتشار اطلاعیه ای ضمن اعلام این مطلب که با افرادی که عفت عمومی را رعایت نمی نمایند و به فساد و فحشاء و منکرات دامن می زنند برخورد قاطع خواهد شد، یادآور گردید که بدیهی است ایجاد هرگونه بی نظمی و تجمع و راهپیمایی و یا تعرض به دیگران توسط افراد غیر مسئول خلاف قانون است.

۱۹ اردیبهشت ۶۴ به نوشته نهضت، ارگان نهضت مقاومت ملی ایران، دولت جمهوری اسلامی اخیراً تسهیلاتی برای اتباع سوریه قائل شده تا دختران ایرانی را با شرایطی آسان به عقد منقطع خود درآورند.

۲۷ تیر ۶۴ دادستان عمومی تهران، آقای میرعمادی، در مصاحبه ای نظرات خود را در مورد برخورد با «بی حجابی» و «بدحجابی» اعلام کرد. به گفته وی «طبق دستور هیأت دولت کمیسیونی مرکب از چند تن از وزرا و دادستان عمومی تهران تشکیل شده است و در این کمیسیون تصمیماتی

اتخاذ شده که بزودی اعلام خواهد شد.» وی به زنانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی کنند اخطار کرد که «کاری نکنند که افراد حزب الله دست بکار شوند» و یادآور شد که دادستانی طبق بند ۳ ماده ۳۱ مجازات اسلامی ممکن است نتواند کاری برای زنان بی حجاب انجام دهد چون طبق این قانون اگر عملی که بر علیه زنان بی حجاب انجام می شود «بمعنوا امر به معروف و نهی از منکر باشد» جرم محسوب نمی شود. وی افزود «در همین رابطه از وزارت آموزش و پرورش خواسته شده است که از دانش آموزان و اولیاء آنان هنگام ثبت نام تعهد گرفته شود که در صورت هر گونه بی حجابی و یا بد حجابی از مدرسه اخراج شوند.»

۱۲ مرداد ۶۴

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی امام جمعه موقت تهران در خطبه اول نماز جمعه به بحث در مورد برابری حقوق زن و مرد و همچنین شخصیت و تکلیف زن در اسلام و مقایسه این موارد در مکتب اسلام با دستاوردهای تمدن غرب پرداخت و تأکید کرد «هیچ راه سومی برای مسائل خانوادگی و حقوق زن و مرد وجود ندارد. باید یا به طریق فعلی غرب باشد و یا به روش اسلامی.»

۲ شهریور ۶۴

دادستان عمومی تهران در رابطه با «بدحجابی» و عدم رعایت کامل موازین اسلامی توسط «گروهی اندک و ناآگاه» هشدار داد که «جریحه دار نمودن عفت عمومی توسط گروهی اندک و ناآگاه هنوز ادامه دارد و گرچه تا کنون امت اسلامی با استعانت از فرامین رهبرش با توجه به مقطع حساس کنونی که آغاز گر دوره جدید ریاست جمهوری می باشد هوشیاری و مقاومت انقلابی خود را حفظ نموده و از هر گونه عکس العملی که خوراک تبلیغات برای بیگانه فراهم کند خودداری نموده و می نماید، لکن دادستان عمومی تهران ضمن احترام و ارج نهادن به روحیه انقلابی امت حزب الله به آن دسته از افرادی که می خواهند از این متانت سوء استفاده نمایند و به بی بند و باری خود ادامه دهند هشدار می دهد که سریعاً خود را با معیارهای اسلامی منطبق کرده و با توجه به عقیده آرای اکثریت این ملت دست از این اعمال ناپسند خود بردارند والا این دادستانی ناگزیر است طبق بند سوم ماده ۳۱ قانون مجازات اسلامی وظیفه شرعی خود را اعلام که در این صورت امت حزب الله با خشم توفنده خود بر اساس قانون وارد عمل شده و به ریشه کنی این مفاسد خواهد گمارد.»

۷ مهر ۶۴

حجت الاسلام موسوی خوئینی ها دادستان کل کشور در جمع کارکنان و پرسنل و قضات دادستانی کل کشور طی سخنانی اظهار داشت: «ریشه بی حجابی ها، منکرات و فساد اخلاق در مالکیت های نامشروعی است که بعضی از افراد ساده لوح آنها را مجدداً باز می گردانند... وقتی شما کاری کنید عناصری که از ترس انقلاب به خارج فرار کرده اند دوباره به این کشور بازگردند، این مسئله ایجاد جو امنیت برای عناصر ضد انقلاب خواهد کرد و شما فردا خواهید دید که در خیابانها زنان با حجاب را مورد تمسخر قرار خواهند داد.»

۸ مهر ۶۴

روزنامه اطلاعات مقاله مفصلی در مورد «ضرورت برخورد فرهنگی با مسئله حجاب» به چاپ رسانید که در آن از گروه هایی که به زنان «بدحجاب» حمله می کنند انتقاد کرده، راه حل را در برخورد فرهنگی با این مسئله دانست: «امور فرهنگی به سالهای سال صرف وقت و برنامه و مداومت و مراقبت نیاز دارد، همچنان که دیدیم استقرار بی حجابی با صرف دهها سال و به خدمت گرفتن کل وسایل ارتباط جمعی صورت گرفت.»

۱۴ مهر ۶۴

مجمع علوم دینی زنان «جامعه الزهرا» با حضور آیت الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان و تنی چند از اساتید و فضیای حوزه علمیه قم و ۵۰۰ تن از دانشجویان این مجتمع در شهر قم آغاز به کار کرد.

۱۶ مهر ۶۴

بیش از ۴۰۰ تن از دانشجویان دختر شهرستانی دانشگاه شهید بهشتی ضمن تجمع در مقابل ساختمان خوابگاه تخلیه شده خود خواستار تحویل مجدد این خوابگاه از سوی مسئولین دانشگاه شدند. یکی از دختران دانشجو گفت «در کجای دنیا چنین رسمی معمول است که شبانه گروهی دختر را که به منزله حیثیت تک تک مردم کشورمان هستند، راهی بروبحر کنند». بدنبال توافقی که بین دانشجویان و مسئولین دانشگاه به عمل آمد، قرار شد تا مشخص شدن وضعیت خوابگاه، دانشجویان در خوابگاه تخلیه شده خود مستقر شوند.

۲۰ مهر ۶۴

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه در ادامه بحث خود در مورد حقوق زن به مسئله «استقلال خانمها در انتخاب همسر» پرداخت و گفت «اسلام از آغاز به استقلال خانمها توجه داشته و مسئله را حل کرده است و هیچ مکتبی از مکاتب دنیا مانند اسلام در مورد رفع مظلومیت خانمها عمل نکرده است.» وی در مورد مشکلات موجود در راه ازدواج گفت «ازدواج پسران و دختران ما امروز به صورت یک

مشکل درآمده است و این مشکل در ابعاد مختلف نظیر انتخاب همسر، مسئله مهریه، مسئله کار و ادامه امور خانواده، مسئله مسکن وجود دارد. مسئله دیگری که ازدواج را دشوار ساخته این است که سن ازدواج بالا رفته است و این یکی از بدترین مسائل جامعه نامناسب ما است و این ننگ را که از جامعه غربی گرفته ایم باید حل کنیم و خانمها نباید فکر کنند که با افزایش مهریه، شخصیت آنها بالا می رود. چه بسا اگر مردی نخواهد با همسرش زندگی کند بهر شکلی که باشد از زیر بار این مسئولیت شانه خالی می کند و زن خود را طلاق می دهد.»

۱۱ آبان ۶۴

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه اعتراض کرد که عده ای از گفته های وی در نماز جمعه پیشین سوء استفاده کرده و خواستار تقویت و ترویج چند همسری و متعه شده اند. به گفته وی «برخوردهای گوناگونی شده است که اکثراً سالم و خیرخواهانه بوده و تا بحال از افراد متفکر یک انتقاد جدی ندیده ام و عده قلیلی نیز با سوء نظر به مسئله نگاه کرده اند. قشری هستند که یا عمداً بد فهمیده اند یا اصولاً بد فهمیده اند. اکثریت مسیر را درست تشخیص داده اند. من تأکید کردم که این مسئله را اسلام در بیش از ۹۵ درصد با مسئله تک همسری حل می کند و درصد ضعیفی را با استثناء حل می کند. یعنی غیر تک همسری بعنوان یک ضرورت. بیشتر نامه های رسیده بخصوص از جوانها، مسئله تسهیل در امر ازدواج را مورد تأکید قرار داده اند.»

۱۴ آبان ۶۴

محمد کاظم امام موسوی، نماینده شوستر، در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی گفت «چندی است برادر بزرگوارمان حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا هاشمی رفسنجانی بحث ازدواج را بطور جالبی در خطبه های نماز جمعه شروع کرده اند که بحق یکی از مهمترین مسائل جامعه اسلامی است، ولی متأسفانه مسئله مسکن مانع بزرگی شده است سر راه جوانان در آستانه ازدواج که بنده خود یک جوان متعهد حزب اللهی سراغ دارم که ازدواج کرده بود ولی بعلت نداشتن مسکن و پیدا نکردن محل سکونی ناچار شد زن خود را طلاق بدهد.» وی بعنوان راه حل پیشنهاد کرد که «طرحی تهیه شود که با استفاده آن بعضی از نهادهای انقلابی مثل بنیاد مسکن و بنیاد مستضعفین و سایر بنیادها با هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی به جوانان در حد ازدواج، البته آنهایی که فاقد مسکن هستند، بمنظور تسهیل در امر ازدواج، یک قطعه زمین واگذار شود.»

۲۵ آبان ۶۴

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه وظایف افراد، والدین، و دولت را در قبال تسهیل ازدواج توضیح داد. وی در بخشی از این اظهارات گفت «اگر شرایطی است که دختران می خواهند ازدواج کنند مدارس نباید مانع شوند. همچنین عده زیادی نامه نوشته اند که اگر ما ازدواج کنیم درآمد فعلی ما قطع می شود و دولت باید در این باره نیز فکری کند. در خانواده های شهدا و بی سرپرست دیگر این مسائل وجود دارد. همچنین دولت باید سعی کند خانه های کوچک و ارزان قیمت تهیه کند که جوانان بتوانند در آن جا بطور محقر زندگی کنند.»

۲۶ آبان ۶۴

به نوشته اطلاعات علت اصلی «بحران ازدواج در ایران»، تجدید نظر در سن ازدواج در باور عمومی جامعه و مشکلات اقتصادی - اجتماعی است: «قبلاً سن ازدواج دختر در شهرها حدود ۱۳ سالگی بود و بعداً این سن مناسب به حدود ۱۵ سالگی تغییر پیدا کرد و به این ترتیب گروه سنی ۱۵ تا ۲۳ ساله دختر خانمها که حدود ۵ میلیون است به اصطلاح وارد جامعه آماده ازدواج شد و این دختران شاداب و شاد موقعیتهای ازدواجی دختران بزرگتر را تصاحب کردند و چون پسرها در سنین پایین تر شروع به ازدواج نکردند یا مقدور نبود، عدم تعادل جمعیتی عظیمی پیدا شد.» این مقاله همچنین به مسئله بیماریهای جنسی پرداخت و خاطرنشان کرد: «اگر ۱ سال قبل مقامات رسمی کشور دامنه بیماریهای مقاربتی را بی اهمیت می دانستند، مسلماً در شرایط کنونی، وجود این واقعیت تلخ و لزوم ایجاد کلینیکهای بیماری آمیزشی را حس می کنند.»

۱۰ آذر ۶۴

آقای بالی عضو هیئت مدیره بانک ملت در یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن اعلام پرداخت وام ازدواج توسط این بانک گفت «در رابطه با سلسله بحثهای حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه تهران پیرامون تشویق جوانان به ازدواج و همچنین اعطای تسهیلات لازم از طرف دولت، بانک ملت برای مشارکت در فراهم ساختن مقدمات ازدواج جوانان بویژه قشر زحمتکش آموزش و پرورش، اقدام به این امر می کند... کلیه فرهنگیان کشور که از اول دی ماه سال جاری مبادرت به ازدواج کنند می توانند با مراجعه به هر یک از شعب بانک ملت در سراسر کشور در قبال ارائه قبالة ازدواج مبلغ بیست هزار تومان بعنوان قرض الحسنه با زمان بازپرداخت ۳۰ ماهه دریافت کنند.»

مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی خود کلیات لایحه حق حضانت را مورد تصویب قرار داد. گزارش روزنامه اطلاعات از مذاکرات مجلس درباره این لایحه به شرح زیر است:

«آقای موسوی نایب رئیس کمیسیون گفت: اگر طلاق یا مرگ یا شهادتی پیش آمد و دادگاه مدنی خاص حضانت را به شخصی، مثلاً مادر، سپرد و پدر یا جد پدری یا خاله یا عمه طفل در قبال حکم دادگاه ایستادند، بطوری که آن فرد بچه را برای دیدن ببرد و از استرداد آن خودداری نماید، دادگاه اول به او اخطار می کند و اگر قبول نکرد، به هر صورت محرمات الهی، مجازات دارد، غیر از مواردی که شارع حد آن را مشخص کرده، بقیه محرمات الهی تعزیر دارد. البته نظر کمیسیون اینست که تعزیر منحصر به شلاق نیست. بلکه جریمه نقدی و حبس هم می تواند تعزیر باشد.

— وی در پایان گفت: ما علم داریم به این که، شورای نگهبان، این مجازات را، به دلیل اختلاف نظری که وجود دارد، رد خواهد کرد.

پس از توضیحات نایب رئیس کمیسیون، خانم گوهر الشریعه دستغیب در مخالفت با لایحه صحبت کرد و گفت: ما باید مسئله را بیشتر ریشه یابی کنیم. دادگاههای مدنی خاص خودش بحث دارد. سری به این دادگاهها بزنید و ضوابط حاکم بر آن را ببینید و مشکلات کار را بررسی کنید.

— وی افزود: مسئله فوت و شهادت که حل گردید و حق حضانت طفل به مادر سپرده شد. این جا مسئله طلاق است که اگر حضانت بچه ای به عهده کسی گذاشته شد و وی از استرداد بچه سر باز زد، به جریمه نقدی یا حبس محکوم می گردد. من نامه های متعددی به شورای عالی قضایی و کمیسیون اصل نود در این مورد نوشته ام، ولی جوابی نشنیدم. انشاالله بعد از دوسه سال به من جوابی خواهند داد!

— خانم دستغیب ادامه داد: اکثر دادگاههای مدنی خاص مسئله تربیتی بچه را در نظر نمی گیرند و بدون توجه به عاطفه طفل، وی را مثل گچ و سنگ جابجا می کنند. چه بسا در موارد طلاق، مرد فقط می تواند در دادگاه صحبت کند و زن از صحبت کردن محروم می باشد.

— وی سپس در مورد اشکالات این لایحه گفت: مسئله اینست که اگر این بچه را از مادر جدا کنیم و به دست پدر بدهیم و بچه فرار کرد، تکلیف چیست؟ من نمونه ای را سراغ دارم که بچه ای در کلاس سوم

راهنمایی در گوهردشت کرج، از دست پدر خود که دوزن در خانه داشت فرار کرد و پیش مادر آمد و حتی می خواستند به او تجاوز کنند، ولی مادرش او را ضبط نمود و این مادر پیش من آمد که چه کند؟ — خانم دستغیب در مورد علت بزهکار شدن اطفال نیز گفت: بچه هایی که حضانت آنها به فردی سپرده می شود که دارای صلاحیت نیستند، دچار چنین بزهکاریهایی می شوند.

— وی در پایان خواستار توجه بیشتر به ضوابط و مقررات حاکم بر دادگاههای مدنی خاص شد و متذکر گردید که به مسئله عاطفه خانوادگی همان گونه که در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته، اهمیت داده شود.

— آقای پناهنده موافق لایحه بود و گفت: در بعضی موارد علتهایی وجود دارد که بچه را از مادر می گیرند. بعنوان نمونه، من موردی را سراغ دارم که طلاق بین پدر و مادر بدلیل فساد مادر صورت گرفته است و آنها دو فرزند دختر بزرگ داشته اند و دادگاه دو دختر را به پدر سپرده است. اگر بخواهیم عاطفه را رعایت کنیم و دو دختر بزرگ را به مادرشان بسپاریم، چه فاجعه ای پیش می آید؟ البته من منکر این مسئله نیستم که حکام شرع باید مسائل عاطفی را در نظر داشته باشند.

— در پی بحثهای موافق و مخالف، آقای موسوی تبریزی از سوی کمیسیون، در دفاع از لایحه مزبور گفت: اگر پدر و مادر تمام ابعاد مصلحتی بچه را در نظر نگیرند، حق حضانت از آنها ساقط است. پدر که بالاتر از حق حضانت، یعنی حق ولایت، حتی بر اموال فرزند را دارد، اگر تمام ابعاد و مصلحتهای بچه را در نظر نگیرد، این حق از وی ساقط خواهد گردید.

— وی افزود: اگر به مادر حق حضانت طفل داده شود و او رفت و شوهر کرد و مصلحت فرزندش را در نظر نگرفت، این حق نیز از او ساقط است.

— وی سپس گفت: طلاق که احتیاج به قبول ندارد و از ایقاعات است، زن حق حرف زدن دارد. کدام دادگاه مدنی خاص است که حق حرف زدن را از زن گرفته؟ اگر موردی هست به من بگویید که اولین مدعی من خواهم بود.

— با اتمام توضیحات آقای موسوی تبریزی، کلیات لایحه مربوط به حق حضانت مورد رأی گیری قرار گرفت و تصویب شد.

۱۷ آذر ۶۴

در جلسه هیأت دولت به ریاست مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر تظاهرات علیه بدحجابی مورد انتقاد هیأت دولت قرار گرفت و وزارت کشور مسئول جلوگیری از این حرکت شد: «همچنین از نیروی حزب الله خواسته شد با توجه به احتمال وجود گرایشهای عمدی برای برگرداندن توجه مردم از جبهه به مسائل فرعی، اطراف کسانی را که بخواهند حیثاً دست به راهپیمایی و یا اقدامات دیگر بزنند، خالی کنند.»

۲۹ آذر ۶۴

«انجمن زنان ایرانی» در لندن طبق اعلامیه ای، زنان ایرانی در بریتانیا را به شرکت در یک جلسه عمومی دعوت کرد. برنامه این جلسه شامل «بحث مقاله بررسی ریشه های ستم مضاعف بر زنان» بود.

۲ دی ۶۴

در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، علی نظری منفرد نماینده آباد به مسئله «بدحجابی» اشاره کرد و گفت: «بدون تردید حجاب از ضروریات و از مسلمات فقه اسلام است و این وضع بدحجابی عده ای محدود ملت ایثارگر و مومن ما خصوصاً خانواده شهدا و رزمندگان ما را در جبهه ناراحت ورنجیده کرده است. از صدا و سیمای جمهوری اسلامی می خواهم که با قرار دادن برنامه در رابطه با مسئله حجاب و بحث و بررسی جهت آگاهی بیشتر، نه این که خود مروج بدحجابی باشد، و این که بی حجابی و بدحجابی میراث فرهنگ غرب و استکبار است، سعی لازم مبذول نماید.» وی سپس از قوه قضاییه خواستار برخورد قاطع با مسئله بدحجابی در جامعه شد.

فعالیت‌های زنان ایران خارج از کشور

گزارش کوتاهی از مجموعه کارهای کانون زنان دروین

کمیته ما نزدیک به دو سال است که شکل گرفته و طبیعتاً همانند بسیاری دیگر از کمیته‌ها، انجمن‌ها و کانون‌های زنان از آغاز با مشکلات متعددی روبرو بوده. مشکلات و مسائلی که بیشتر ناشی از دست یازیدن به حرکتی می باشد که حاملین آن می خواهند با استفاده از تجربیات عبرت انگیز گذشته، از شیوه‌ها و سبک کار متداول و معمول و «بسته بندی شده» احتراز جویند، و خود راه و روش نوینی را تجربه کنند، پیداست که در این راه ذهنیت غالب سرسختانه مقاومت می کند و هم از این رو است که ما تنها پس از دو سال توانستیم به جمعی نسبتاً همگون تبدیل شویم، که علیرغم نظرات متفاوت قادرند به فعالیت مشترک پردازند.

طی این مدت دست به انتشار یک نشریه داخلی زدیم، که تا کنون سه شماره از آن را برای تشکلهای مختلف زنان در کشورهای مختلف اروپا و امریکا ارسال داشته ایم. هدف ما از این اقدام، ایجاد یک ارتباط وسیع و صمیمانه میان زنان کشورهای مختلف بود. می خواستیم نشریه داخلی، محلی گردد برای کسانی که حرفی برای گفتن دارند ولی نویسنده نیستند و در نشریات «حرفه‌ای» جایی برای «گفته‌های» خویش نمی یابند. بدیگر سخن ما می خواستیم «نیمه دیگر»ی بشویم در سطح و زمینه‌ای دیگر، چرا که «نیمه دیگر» و سایر نشریات زنان هیئت تحریریه‌ای دارند که مقالات و نوشته‌ها را با در نظر گرفتن محدودیتهای «انتشار خارجی» انتخاب و بچاپ می رسانند. طبیعی است که در این میان نظرات، عقاید، و بگذارید بگوییم درد دل بسیاری از زنان عملاً امکان درج نیافته و نتیجتاً از دور تبادل نظر خارج می گردد. نشریه داخلی هیئت تحریریه‌ای نداشت و هر مقاله و نظری امکان درج داشت. می خواستیم از این وسیله و از راه همفکری تمام

زنان به شعارهای مشترک برای مبارزه مشترک دست یابیم. می خواستیم! ولی متأسفانه به هیچکدام از این اهداف دست نیافتیم. بجز تعداد انگشت شماری از کمیته ها، دیگر کمیته ها و کانونهای زنان با وجود پافشاری در ادامه کاری این اقدام کوچکترین پاسخی به این نشریه ندادند و نهایتاً این که «نشریه داخلی» نتوانست به خواستهای خود دست یابد و از طرف دیگر ما نیز به تنهایی در توان و امکانات محدودمان نبود که بدون همکاری دیگران این حرکت را همچنان ادامه بدهیم و اصولاً خود نشریه نیز با این هدف ایجاد نشده بود. نشریه داخلی می بایستی با تعدادی بیشتر و علاقه مندی و همکاری دیگران به انتشار خود ادامه می داد که متأسفانه چنین نشد و در نتیجه انتشار این نشریه را متوقف ساختیم.

بمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن برنامه ای داشتیم که شامل نمایشنامه، موسیقی و بحث آزاد حول مسائل و مشکلات زنان بود که برخلاف انتظار ما (با توجه به مجموعه ایرانیان ساکن وین) با استقبال خوبی روبرو شد.

در جلسات هفتگی «کانون» مباحث مختلفی را دامن زده ایم که مرکز ثقل آن مسائل مربوط به روانشناسی و فمینیسم است، با امید به این که در آینده کانونهای زنان هر چه صمیمیتر و پرشورتر در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار گیرند.

با امید موفقیت

«کانون دمکراتیک زنان ایرانی در وین»

۷ دسامبر ۱۹۸۸

نشانی: Portant 1704

Post Fach 34

Wien-Austria

تشکیل

«انجمن پژوهشهای زنان ایران»

در آمریکا

در روز پنجشنبه ۳ نوامبر ۱۹۸۸ در حاشیه کنفرانس سالیانه «انجمن پژوهشهای خاورمیانه» نخستین گردهمایی جمعی از آنان که به گونه ای درگیر پژوهشهایی در زمینه زن ایرانی هستند برگزار شد. قسمتهایی از آنچه در نخستین شماره «پیک» این انجمن (بهمن ۱۳۶۷) در مورد این جلسه به چاپ رسیده است در زیر تجدید چاپ می شود:

«تعداد شرکت کنندگان در این جلسه و مهمتر از آن شوری که در این جلسه برای ادامه این قدم اولیه وجود داشت بیش از انتظار همه شرکت کنندگان بود. اکنون بیش از

چهل نفر به این جمع پیوسته اند.

نام «انجمن پژوهشهای زنان ایران» پس از بحثهایی در همان جلسه انتخاب شد. و نیز توافق شد با آن که نام «انجمن» اتخاذ کرده ایم لااقل در شرایط کنونی نیازی به تدوین «اساسنامه» نمی بینیم، و عضویت در انجمن به روی همه کسانی که درگیر پژوهشهای زنان ایران و یا علاقه مند به این موضوع هستند باز باشد. چند نفر از حضار پیشنهاد کردند که از نشریه «نیمه دیگر» برای تبادل اخبار و اطلاعات بین اعضای انجمن استفاده شود. ولی پس از توضیحاتی از جانب یکی از اعضای هیئت تحریریه «نیمه دیگر» (افسانه نجم آبادی) توافق بر این شد که انجمن نشریه خبری خود را منتشر کند، و هر از گاهی، بسته به رسیدن مطلب از جانب اعضا، پیک انجمن تهیه و برای همه اعضا فرستاده شود. تنظیم مطالب پیک و اداره انجمن تا جلسه سالانه بعدی به عهده افسانه نجم آبادی ماند. نجمیه باتمناقلیج (یکی از اعضای هیئت مدیره انتشارات میج Mage) چاپ و پخش رایگان پیک انجمن را به عهده گرفت....

پیشنهادهای چندی درباره فعالیت‌های بعدی انجمن مطرح و بحث شد. از جمله: ایجاد پروژه‌های تاریخ شفاهی زنان، بر مبنای گفتگو و ضبط خاطرات و مشاهدات زنان ایرانی که اکنون در خارج از کشور بسر می برند، تهیه کتابنامه‌ای بر مبنای منابع نادری که در کتابخانه‌های مختلف دانشگاه‌های آمریکا وجود دارد (از طریق ارسال لیست این منابع به پیک انجمن از طرف کسانی که هر کدام در محل خود مشغول به این نوع پژوهش منابع هستند)، و تنظیم سمینارهایی در آینده. در ماه‌های آینده راه ارتباط ما با هم از طریق پیک انجمن خواهد بود.»

کسانی که علاقه مند به تماس با انجمن هستند می توانند با نشانی زیر مکاتبه کنند:

Afsaneh Najmabadi

(PAYK)

Women's Studies in Religion Program

Harvard Divinity School

45 Francis Ave.

Cambridge, MA. 02138

فعالیت‌های کانون زنان ایرانی مقیم نورث

درواکنش به موج اعدام زندانیان سیاسی، کانون زنان ایرانی در نورث تظاهراتی در مرکز شهر اسلو برگزار کرد. در این تظاهرات اعلامیه‌هایی به زبان فارسی و نورژی پخش شد که متن اعلامیه فارسی ذیلاً چاپ می شود.

در مسلخ عشق جز نکورا نکشند

هر روز از وطن به خون پییده مان خبرهای تازه ای می رسد. فرزندان، برادران، دوستان و خواهرانمان را در خون خود غرقه می کنند. آنچه که امروز رژیم سفاک و ددمنش جمهوری اسلامی با ایران و ایرانیان می کند سیاهترین صفحات دفتر تاریخ را ورق می زند.

هموطنان!

رژیم خمینی پس از فراغت از جنگ بی معنی هشت ساله و پس از به کشتن دادن هزاران تن از جوانان و ویرانی شهرهای ایران کمر به شکنجه و قتل عام بهترین فرزندانمان بسته است. طبق خبرهای واصله و منعکس شده در مطبوعات جهان، در طی روزهای اخیر هزاران تن از فرزندان رشید و ارزنده ایران قربانی وحشیگری رژیم جمهوری اسلامی شده اند. خیلی از آنها حتی راه به بیدادگاههای رژیم هم پیدا نکرده اند. مادران و همسران زیادی داغدار و کودکان زیادی بی سرپرست شده اند. در میان اعدام شدگان و آنانی که در انتظار شهادت هستند زنان زیادی به چشم می خورد. زنانی که دلاورانه در مقابل درخیمان مقاومت کرده اند. زنانی که برای رهایی از جور و ستم و برای نابودی ستم مضاعف بر زنان راه مبارزه را برگزیده اند.

هموطن!

سکوت در برابر این جنایت مساوی است با قتل عام بیشتر. کانون زنان ایران در نروژ اعتراض خود را علیه این جنایات و سفاکیها اعلام داشته و ضمن اعلام همبستگی با مادران و همسران داغدار ایران و همراهی با تمامی نیروهای مترقی و بشردوست خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی ایران و قطع شکنجه و اعدام می باشد.

اعلامیه زیر نیز از جانب کانون به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن، انتشار یافت:
هم میهنان گرامی،

هشتم مارس برای ما زنان ایرانی نه روز جشن و شادمانی، که روز تشدید مبارزه و پیکار علیه نابرابری و عقب ماندگی است. در میهن ستم زده ما ۸ مارس در شرایطی فرا می رسد که حکومت جهل و خرافه جمهوری اسلامی نه تنها راه هرگونه رشد، پیشرفت و خلاقیت را بر میلیونها زن ایرانی سد کرده، بلکه پس از فراغت از جنگ بی معنی ۸ ساله با تشدید شکنجه و کشتار لبخند شادی را از لبهای زنان ایران دزدیده است و علاوه بر آن با تعیین روز دیگری بعنوان روز زن جاهلانه می کوشد تا با کتمان دهها سال مبارزه دمکراتیک زنان آزاده میهن و مبارزات برابری طلبانه زنان زحمتکش سراسر جهان حتی نام

و عنوان روز هشتم مارس را از ذهن و روح زنان پاک کند تا بر روح و قلب آنان ظلمت و سیاهی مقررات اسلامی خود را حاکم نماید. حکومت ولایت فقیه زنان را از کار می راند، از تحصیل باز می دارد و حق تصمیم گیری درباره زندگی و سرنوشت خود و فرزندانشان را از آنان سلب می کند. در جمهوری اسلامی زنان در معابر و محل کار مورد توهین و تحقیر قرار می گیرند. آنچه در ایران از زنان می طلبند اطاعت مطلق و بی اراده از دستورات است. آنان به زنان تکلیف می کنند که چگونه فکر کنند، چه پوشند و چگونه رفتار کنند. هرگونه مخالفت با این قوانین واپسگرایانه از طرف زنان، با زندان و شکنجه پاسخ گفته می شود. در ایران زنان حق ندارند برای حفظ استقلال اقتصادی و شخصیت اجتماعی خود بکار بپردازند. آسودگی و امنیت خاطر در زندگی خصوصی زنان ایرانی از طریق چند همسری مردان نقض می شود. آنان از حق طلاق و ولایت فرزندان خود محرومند. جمهوری اسلامی می خواهد از زنان ایران بردگان خانگی بسازد اما موفق نمی شود. کم نیستند مادران و دخترانی که بخاطر مبارزه برای برقراری عدالت اجتماعی و نابودی نابرابریهای جامعه در سیاهچالهای رژیم به بند کشیده می شوند یا در برابر جوخه های اعدام آماج رگبار گلوله های دژخیمان قرار می گیرند. در حال حاضر بیش از ده هزار زن مبارز در زندانها بسر می برند.

هم میهنان مبارز، زنان و مردان آزادیخواه جهان!

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در تدارک قتل عام تازه ای، در تدارک کشتار زندانیان سیاسی زن بسر می برد. قبل از آن که فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی زن مانند قتل عام هزاران زندانی سیاسی مرد که رژیم خمینی در دو ماهه گذشته مرتکب گردید تکرار گردد، ضروری است وسیعترین اقدامات علیه جنایتی که در شرف تکوین است صورت گیرد.

کانون زنان ایرانی در نروژ ضمن اعتراض بر علیه این سفاکیها و با اعلام همبستگی خود با مادران، همسران داغدار ایرانی از کلیه تشکلهای پناهندگی، سازمانهای سیاسی مهاجرین و شخصیتهای مترقی انتظار دارد از هیچگونه اقدامی در جهت جلوگیری از جنایت جدید رهبران جانی جمهوری اسلامی دریغ ننمایند.

گزارش فعالیتهای سازمان زنان ایرانی در بریتانیا در طول سال گذشته

طی سالی که گذشت سازمان زنان ایرانی در بریتانیا، شکل نوینی از کار جمعی زنان را تجربه کرد. تجربه ای که حاصل تلاش و فعالیتهای گونه گون زنان در کمیته های مختلف با اهداف و برنامه های متفاوت بود. اگرچه نه چندان چشمگیر و پربار که انتظار

می رفت و صد البته نه خالی از اشکال و ایراد، اما به هر حال، امروز این تجربه اندوخته مفیدی برای این شکل جدید از کارهای زنان است. و از طریق بازنگری همین تجربه است که ما، از سویی این فرصت را پیدا می کنیم تا نقاط مثبت کارهایمان را بازشناسیم و از دیگر سوی امکان وقوف به اشکالات و کمی ها و کاستیهای کار، فراهم می شود. و این خود، ما را در رهیابهای دقیقتر و روشنیاری خواهد کرد.

شکل و یژه کار ما در سازمان، که اساس آن فعالیت کمیته های مستقل است، دست کم، همواره، یک گوشه سازمان را زنده و فعال نگاه می داشت. هر از گاهی کمیته ای با فعالیت خود، گرمایی می آفرید، اگر چه نه در حد انتظار ما، اما به هر حال دلگرم کننده. اگر بخواهیم شرحی از این فعالیتها بیاوریم:

می توان گفت منسجم ترین کمیته سازمان، کمیته تئوریک بود که در مجموع روند کار موفق داشته و با تشکیل مرتب نشستهای دو هفته یکبار، توانسته دور اول بحثهای خود را در زمینه اشتغال زنان پایان برساند. و همین طور تصمیم دارد ترجمه مقالاتی را که تا بحال مورد مطالعه قرار داده، بصورت جزوه ای چاپ و منتشر کند. بعلاوه کمیته سمینارهای بحث روی مباحث تئوریک را نیز برگزار خواهد کرد.

کمیته رفاهی، از بدو فعالیت خود، علیرغم مشکلات مبتلا به، اجرای چند طرح را در دستور کار قرار داد که تا حال موفق به تحقق برخی از آنها شده است:

۱ - طرح مسکن: بدنبال تلاش برای تشکیل تعاونی مسکن، کمیته ضمن شرکت در مذاکرات گوناگون با سازمانهای ذیصلاح، سرانجام توانست دو پروژه مسکن زنان را در ناحیه غرب لندن بازگشایی کند.

۲ - طرح اشتغال: ضمن تماس با سازمانهایی که افراد را برای شغل یابی آموزش می دهند، کمیته موفق شد سهمیه ده نفری برای زنان ایرانی بگیرد.

۳ - طرح آموزش حقوق رفاهی و اجتماعی: دیگر از اقدامات کمیته رفاهی، تماس با سازمان خدمات جهانی دانشگاهی بود و تشکیل کلاسهایی در زمینه چگونگی سیستم آموزش در بریتانیا، بورسیه، شهریه و مسائلی از این قبیل. [این کمیته در نظر داشت در زمینه های دیگری نیز فعالیت کند اما متأسفانه مشکلات عدیده، فرصت تحقق این ایده ها را بدست نداد.]

کمیته دفاعی سازمان نیز از آن جا که عمدتاً اهداف مبارزاتی و دفاعی را دنبال می کند، بیش از هر کمیته دیگر درگیر مبارزات جاری و بحثهای آموزشی سیاسی است. این کمیته تا بحال در پیکتها و تظاهرات مختلفی شرکت کرده است. از جمله شرکت در تظاهرات ضد جنگ در ماه مه ۸۸، شرکت در پیکتی به منظور اعتراض نسبت به حمله ناوگانه های آمریکا در آبهای خلیج به هواپیمای مسافربری ایرانی. بعلاوه کمیته دفاع یکی از بنیانگذاران کمیته
 Committee against massacre in Iran and Iraq می باشد، که برنامه آن ۶ ماه

فعالیت خواهد بود و با پیکت در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۸۹ آغاز شد و دومین حرکت آنها پیکت در مقابل سفارت عراق در تاریخ ۲۵ فوریه خواهد بود. کمیته دفاعی می کوشد از طریق چنین کمپین وسیعی صدای زنان در کردستان و زندانیان را بگوش جهانیان برساند. افزون بر اینها، کمیته به منظور پیشبرد بحثهای آموزشی سیاسی جلسات بحث دو ماه یکبار برای زنان برگزار می کند که برنامه آن از طریق فصلنامه سازمان زنان ایرانی در بریتانیا و بروشور به اطلاع همگان می رسد. اولین تم این بحثها «وضعیت کنونی زنان در ایران و وظایف ما» بود که در تاریخ ۶ ژانویه ۱۹۸۹ در محل Conway Hall برگزار شد و دومین جلسه آن نیز در تاریخ ۱۸ فوریه در همان محل انجام خواهد شد. در ضمن برگزاری جشن روز ۸ مارس نیز بعهده کمیته دفاعی خواهد بود.

کمیته فرهنگی - هنری سازمان نیز برغم فراز و نشیبهای چند، کوشیده است در راستای اهدافش گامهایی بردارد؛ اگرچه بخاطر شکل و یژه کارش، که تجربه و کارآمدی اعضا و نیز امکانات کافی را می طلبد، پیگیری کامل اهداف و برنامه هایش ممکن نشده ولی حاصل تلاشهایش برگزاری شب فرهنگی - هنری سازمان بود که با استقبال و تشویق مواجه شد و در مجموع تجربه موفقی برای کمیته ارزیابی شد. اعضای این کمیته، در عین حال در صدد ایجاد گروه تئاتر برای سازمان نیز می باشند. به علاوه تم هایی برای بررسی موقعیت زن ایرانی در طول تاریخ انتخاب کرده که در رأس فعالیتهای دوره جدید قرار دارد و در نشستهای یکماه یکبار صورت خواهد گرفت. برنامه دیدن فیلم بطور دسته جمعی (اعضای کمیته) و دیدار از نمایشگاههای نقاشی نیز کمابیش اجرا شد که امیدواریم از این پس بطور جدی تری آن را برنامه ریزی کنیم. همچنین کمیته اخیراً جمعهای دوستانه ای برای اعضا ترتیب می دهد که فرصت خوبی برای شعرخوانی دوستان جوان شاعر و قصه خوانی و بحث و گفتگو در آن زمینه ها می باشد. تا بحال دو نشست آن برگزار شده است. کمیته در صدد تدارک نمایشگاهی از آثار نقاشی و عکس زنان ایرانی در تاریخ ۸ مارس می باشد. کمیته تحقیقی نیز روی مسأله زن و بازار کار در ایران، مشغول انجام کارهای تحقیقی است. فعلاً در مرحله فیش برداری هستند.

کمیته تفریحی اولین گردهمایی زنان سازمان را به منظور آشنایی با یکدیگر ترتیب داد که در مجموع شبی پر از شادی و سرور بود. در حال حاضر نیز برگزار کننده دیدارهای ماهانه اعضا سازمان است که اولین جلسه آن در تاریخ ۳ فوریه برگزار شد. هدف این دیدارها آشنایی بیشتر اعضا با یکدیگر و ایجاد فرصتی برای گفت و گوهای دوستانه است.

امیدواریم در آینده گزارشهای پربارتری از فعالیتهای و تلاشهای اعضای سازمان در جهت پیشبرد اهدافمان تقدیم همه زنان ایرانی کنیم. با آرزوی درگیر شدن همه زنان ایرانی در فعالیتهای مختلف زنان، از جمله سازمان زنان ایرانی در بریتانیا.

آنچه برای ما رسیده

در فاصله بین شماره های ۷ و ۹ نیمه دیگر کتابها، جزوه ها، و نشریات زیر برای ما رسیده است. از فرستندگانشان متشکریم.

— نوار و متن کتبی مصاحبه و پیام سرهنگ دکتر عقیلی پور به ملت ایران. تیر و مرداد ۱۳۶۷. فرستنده:

Foundation for the Independence of Iran
P.O.Box 1894
San Pedro, CA. 90733-1894

— از انتشارات مزدا

Book News
Vol.1, No.1, May-June 1988
P.O.Box 2603
Costa Mesa, CA. 92626
U.S.A.

— پیام آشنا، نشر از جانب « کمیته بانوان کانون ایرانیان ایالت کبک»، شماره های ۳۰ مه ۱۹۸۸ و ۱۵ اوت ۱۹۸۸، نشانی:

Message Attendu
Comite des Femmes
L'Association Iranienne du Quebec
3519 Jeanne Mance
MTL. QC. H2X 2K2
CANADA

— دین و دانش ، مصلح الدین بطحائی،

P.O.Box 350
INDOOROOPIILLY
Q. 4068
AUSTRALIA

— اقتصاد تعاونی ، مرکز تعاون ایران

2064 Bordeaux Lane
Half Moon Bay, CA. 94019
U.S.A.

— جمهوریخواهان ملی ایران ، سال دوم، شماره ۱۲، شهریور ۱۳۶۷، شماره ۱۳، آبان ۱۳۶۷، شماره ۱۴، آذر ۱۳۶۷، شماره ۱۵، دی ۱۳۶۷. (شماره ۱۲ شامل مقاله ای تحت عنوان «تساوی و تشابه حقوقی زن و مرد» به قلم احمد میرداماد، شماره ۱۵ حاوی مقاله ای تحت عنوان «مبارزات زنان ایرانی در خارج از کشور» به قلم جو یا صوفی). نشانی:

J.M.I.
6629 W. Garfield
Wauwatosu, WI 53213
U.S.A.

— ارمغان ، شماره ۱، سال ۱، نشریه اقتصادی - سیاسی، نشانی:

P.O.Box 864
Rockville, MD. 20851
U.S.A.

— نشریه جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران ، سپتامبر ۱۹۸۸ و اوت ۱۹۸۸، نشانی:

Liga-Iran
P.O.Box 150752
D-1000 Berlin 15
W.Germany

— نامه مردم ، شماره های ۲۰۴، ۲۱۴، ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۲۶، و ۲۳۲، ارگان مرکزی حزب توده ایران، نشانی:

Mardom Publications
P.O.Box 148
North Bergen, NJ. 07047
U.S.A.

— قاصدک ، خبرنامه جامعه ایرانیان مقیم ایالت واشنگتن، شماره ۳، خرداد ۱۳۶۷، نشانی:

P.O.Box 2545
Kirkland, WA 98083
U.S.A.

— روزنه ، سال اول ، شماره اول ، اوت ۱۹۸۸ ، شماره دوم سپتامبر ۱۹۸۸

The Iranian Community and Cultural Center
3523-A rue St. Laurent
Montreal, H2X 2T6 QUEBEC,
CANADA

— پر سال سوم ، شماره ۵ (خرداد ۱۳۶۷) ، شماره ۶ (تیر ۱۳۶۷) ، شماره ۹ (مهرماه ۱۳۶۷) ، نشانی:

Par Monthly Journal
P.O.Box 11735
Washington D.C. 20008
U.S.A.

— انتشارات «آغازی نو» ، تیرماه ۱۳۶۷: جایی که قافیه تنگ آید! پیرامون تشنجات اخیر
سیتۀ پاریس ، شهریورماه ۱۳۶۷: چرا جمهوری اسلامی خواستار آتش بس شد؟ و چشم
انداز مذاکرات صلح چیست.

نشانی فرانسه:

Mr. M Lari
B.P. 115
75263- Paris Cedex 06
FRANCE

نشانی آمریکا:

Aghazi No
P.O.Box 7584
Berkeley, CA 94707
U.S.A.

— ایران آزاد ، شماره ۵۴ دوره جدید تیرماه ۱۳۶۷ ، شماره ۵۵ دوره جدید مهرماه ۱۳۶۷ ،
نشانی:

INF
Postfach 450563
5000 Koln 41
W.Germany

— مجموعه غزلیات عارف ، به ضمیمه شیخ در شعر عارف ، تهیه و تدوین: معین الدین
محرابی ، خرداد ۱۳۶۷ ، نشر درویش ، نشانی:

Postlager Karte
Nr: 087517C
5000 Koln 41
W.Germany

— مجله زن ، شماره اول ، نشانی:

P.O.Box 17347
Encino, CA 91416
U.S.A.
Tel: 818-344-2865

— اندیشه آزاد ، شماره ۹ ، تابستان ۱۳۶۷ ، نشانی:

Osbyringen 42 NB
163 73 SPANGA

— کتاب اکبر ، اکبر صادقیان ، ناشر: پیروزح - پرستوی ، لوس آنجلس ۱۹۸۸ ، توزیع از طریق:

KETAB CORP.
6742 Van Nuys Blvd.
Van Nuys, CA 91405
U.S.A.

— فصل کتاب ، سال اول ، شماره ۲ و ۳ ، تابستان و پائیز ۱۳۶۷ ، نشانی:

P.O.Box 387
LONDON W5 3UG, ENGLAND

— علم و عرفان ، شماره هشتم ، آبان ماه ۱۳۶۷ ، انتشارات مکتب طریقت اویسی شاه مقصودی ، شماره نهم بهمن ۱۳۶۷ ، نشانی:

M.T.O. SHAHMAGH SOUDI Publication Center
P.O.Box 209
Verdugo City, CA 91046
U.S.A.

— ناجی بشر هم اکنون در میان ما بسر می برد ، نشانی:

TARA Center
P.O.Box 6001
N. Hollywood, CA 91603

— پرسا ، نشریه پژوهشی - تئوریک ، شماره ۱ ، تابستان ۱۳۶۷ ، شماره ۲ ، زمستان ۱۳۶۷ «ویرة مسالة زنان»

نشانی:
Porssa
P.O.Box 83
Boston, MA 02112

— نامه جبهه همگام ، شماره اول ، سی دیماه ۱۳۶۷ ، نشانی:

P.O.Box 50047
Long Beach, CA 90815

The Blindfold Horse: Memories of a Persian Childhood by Shusha Guppy,
Beacon Press, 25 Beacon St., Boston, MA 02108, 1989.

M.M. Salchi,
Insurgency Through Culture and Religion
New York: Praeger.

— هدیه کتاب از جانب

University of Utah Press
Salt Lake City, UT 84112 U.S.A.
Politics of Law and the Courts in Nineteenth-Century Egypt by Byron Cannon,
1988
Development and Change in Highland Yemen by Charles F. Swagman, 1989,
The Crisis of Modern Islam, by Bassam Tibi, 1989.

— کتابهای زیر از جانب

Humanities Press International,
Atlantic Highlands, NJ 07716 U.S.A.
Womanhood, by R. Mortley, 1988.
Third World, Second Sex, 2 Volumes, by Miranda Davies, 1987 and 1983.
Women: The Last Colony, by Maria Mies, et.al. 1988.
Women of the Mediterranean, by Monique Gadant, 1987
Women of Pakistan, edited by Khawara Mumtaz Farida Shaheed, 1987
Feminism and Nationalism in the Third World, by Kumari Jayawardena, 1986
Daughters of Independence, by Joanna Liddle Rama Joshi, 1986
Nationalist Thought and the Colonial World, by Partha Chatterjee, 1986.
Structures of Patriarchy: The State, The Community and the Household, by Bina
Agarwal, 1988.

— مهاجر، نشریه انجمن ایرانیان در دانمارک

Mohajer
Den Irske Forening 1 DANMARK
Vesterbrogade 20-3 SAL T.V.
1620 Kbh.V
Denmark

News and Letters, Vol.34, No.2, March 1989, 59 East Van Buren, Room
707, Chicago, IL. 60605

(شامل مقاله‌ای بمناسبت دهه انقلاب ایران)، نشانی:

59 East Van Buren, Room 707,
Chicago, IL 60605

— زن و قشریون اسلامی، نوشته نیره توحیدی (حکمت)، لس آنجلس، ۱۳۶۷.

ده سال پس از انقلاب

شماره ده نیمه دیگر به بحث زن در دهه انقلاب اختصاص خواهد یافت. چنانچه مطلب، شعر، داستان، طرح، عکس و خاطره‌ای از این دوران دارید که برای نشر این شماره مناسب است، لطفاً به نشانی زیر ارسال دارید:

Nimeye Digar
P.O.Box 1468
Cambridge, MA. 02238
U.S.A.

تصحیح و بوزش:

۱- در شماره‌های ۶ و ۷ دو بار نام خانم پروین شکبیا به اشتباه پروین شکیبائی آمده بود.

۲- در شعر «تقدیم به زن» از فرزانه، شماره ۷، سه اشتباه در حروفچینی رخ داده است که بدین ترتیب تصحیح می شود:

ص ۱۲۳:

غلط:

حتی آمدن سادگی روستا
زیر کدام بازوان محکم
و دستان بخشنده بی خشم را
در خود یافتیم.
صحیح:

حتی در دل سادگی روستا
دیگر کدام بازوان محکم
و دستان بخشنده بی خشم را
در خود یافتیم

۳- شماره ۷، صفحات ۱۲۱ الی ۱۲۶ در صحافی به اشتباه ترتیب یافته اند.

تقاضای «نیمه دیگر» از کلیه نویسندگان و مترجمین

لطفاً در تهیه و ترجمه مقالات نکات زیر رعایت شود:

- ۱ - مقالات فقط یک روی کاغذ نوشته شود.
- ۲ - از هر چهار طرف (بالا، پایین، چپ و راست) لا اقل ۴ سانتیمتر حاشیه گذاشته شود.
- ۳ - مقالات دست خط دو خط در میان (۳ سانتیمتر فاصله) نوشته شود. و مقالات تایپ شده یک خط در میان (۲ سانتیمتر فاصله) تایپ شود.
- ۴ - اطلاعات کامل در مورد منابع نقل شده (عنوان کتاب، نام نویسنده، محل چاپ، ناشر، تاریخ چاپ، صفحه نقل قول) گنجانده شود. یادداشتها و منابع همگی در آخر مقاله بیاید.
- ۵ - لطفاً در نسخه های دست خط از خط شکسته استفاده نشود.

یک پیام:

خانم افسانه (فرزانه)

«سفرنامه» و «نامه ای از یک دختر ۱۹ ساله» و مصاحبه های مربوط به حجاب و اشعار شما رسید. متأسفانه آدرس صحیح شما را نداریم. لطفاً شما با ما تماس بگیرید.

این شماره های ویژه اکنون در برنامه

کار ما قرار دارد. چنانچه علاقه دارید طرح یا مطلبی برای یکی از این شماره ها تهیه کنید، لطفاً نام و نشانی خود را به نیمه دیگر بفرستید تا در اختیار مسئول مربوطه قرار گیرد.

*** زن ایرانی در مهاجرت و تبعید**

*** سیر تحول جنبش زنان در انقلاب مشروطه**

*** جنسیت**

*** زن در دوران پهلوی**

*** زنان اقلیتهای مذهبی ، در ایران و در مهاجرت و تبعید**

علاقه دارم در تدوین شماره ویژه
همکاری کنم.

نام:

نشانی:

این فرم را به نشانی زیر بفرستید:

Nimeye Digar
P.O.Box 1468
Cambridge, MA. 02238
U.S.A.

دست نیاز ما به سوی سخاوتمندی شما دراز است

برای آن که بتوانیم سه شماره در سال منتشر کنیم نیاز داریم هر سال ۱۵ هزار دلار اضافه بر آنچه از طریق فروش و آبونه مجله حاصل می شود جمع آوری کنیم. اگر قادر و مایل به کمک مالی به نیمه دیگر هستید، لطفاً فرم زیر را پر کرده، همراه با اولین پرداخت خود، برای ما بفرستید.

تعهد می کنم در سه سال آینده سالی:

☐ ۵۰ ☐ ۱۰۰ ☐ ۵۰۰

☐ ۱۰۰۰ ☐ ۵۰۰۰ ☐ ... دلار

به نیمه دیگر کمک کنم.

نام:

نشانی:

این تعهد هیچگونه اعتبار و الزام قانونی ندارد، تعهدی است عاطفی بین ما و شما.

نیمه دیگر در آمریکا بعنوان موسسه غیر انتفاعی به ثبت رسیده است. کمکهای مالی شما مشمول معافیت مالیاتی است. این فرم را به نشانی زیر پست بفرستید:

Nimeye Digar

P.O.Box 1468

Cambridge, MA. 02238

متأسفیم... ولی ناچاریم بهای تکشماره و نرخ اشتراک را افزایش دهیم

بهای تکشماره: ۶ دلار آمریکا

اشتراک چهار شماره: فردی: ۲۴ دلار آمریکا

مؤسسات: ۴۸ دلار آمریکا

برای اشتراک در کلیه کشورها چک یا حواله بانکی به دلار آمریکایی به نشانی
زیر ارسال شود:

NIMEYE DIGAR

P.O.Box 1468

Cambridge, MA 02238 U.S.A.

فرم اشتراک:

نام:

نشانی:

اشتراک مرا از شماره شروع کنید.

مبلغ علاوه بر بهای اشتراک جهت کمک به نشریه ضمیمه است.

خرید کتاب و مجلات فارسی از راه تلفن و یا بوسیله پست

شرکت م. گ. نورا به منظور حفظ و اشاعه زبان فارسی به وجود آمده است. برای تهیه هر نوع کتاب از کتابهای نادر و قدیمی گرفته تا کتابهای معاصر از قبیل کتابهای کودکان، داستان، شرح حال و مسائل تاریخی، شعر و نمایشنامه و هر جور روزنامه یا مجله با ما تماس بگیرید.

ساعات کار برای کسب اطلاع و سفارش بوسیله تلفن روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه شنبه از ۹ صبح تا ۴ بعد از ظهر. در روزهای دیگر هفته از ۷ تا ۹ شب بوسیله تلفن: ۲۵۱۵-۵۴۱ (۲۱۳)

به وسیله پست به آدرس:

M.G. NOURA & CO
6630 Madeline Cove
R.P.Vds CA. 90274

هیأت مشاوران مجله ایران شناسی:

پیتر چلکوسکی

جلال خالقی مطلق

راجر سیوری

ذبیح الله صفا

حشمت مؤید

احسان یارشاطر

انتشارات

بنیاد کیان

مجله

ایران شناسی

مدیر: جلال متینی

جلال متینی که از پائیز ۱۳۶۱ تا زمستان ۱۳۶۷ مدیریت مجله ایران نامه را برعهده داشت، از این پس مجله ایران شناسی را منتشر خواهد ساخت.

افراد علاقه مند به مقاله های تحقیقی درباره فرهنگ ایران، زبان و ادب فارسی، تاریخ، و علم و هنر ایران، که مایلند شماره اول (بهار ۱۳۶۸) مجله ایران شناسی برای ایشان فرستاده شود، لطفاً نام و نشانی پستی خود را به نشانی زیر مرقوم دارند. فرستادن نام و آدرس دوستان و مؤسسات علمی و دانشگاهی علاقه مند به چنین مجله ای موجب سپاسگزاری است.

نشانی:

Jalal Matini

P.O.Box 30381

Bethesda, Maryland 20814

U.S.A.

nimeye-digar

Persian Language Feminist Journal

No.9, Spring 1989

In This Issue:

V. Kazemi, "Obedience and Transgression in children's stories"

S. Qahreman, "Women in Politics and War: The Case of Kurdistan"

Shahin, "Images From Far Away"

Plight of Iranian Women in Turkey

Plus stories, poems, archives, chronology, reports from Iranian women's activities abroad.

Price: \$6.00

Subscription rates for four issues:

Individual: \$24.00, Institutions: \$48.00

All correspondence

NIMEYE DIGAR

P.O.Box 1468

Cambridge, MA. 02238

U.S.A.

